



سال دوم ۹۶-۹۷
پایه پنجم ۳۱۱ نفر

فرد ۱۰۰	فرد ۱۰۰	فرد ۱۰۰
فرد ۱۰۰	فرد ۱۰۰	فرد ۱۰۰

گرمی	۲۹۶۲/۲۹
نوی	۱۳۹۷/۰۴/۰۳
محل	اصول فقه ۳
مکتب	دروس فی علم الاصول - الحقتہ الایام - نوروز
مدرس	از تعداد اصول علمیه تا پایان کتاب

نام و نام خانوادگی: _____
 نام پدر: _____
 کد ملی: _____
 مدرسه: _____
 شهرستان: _____
 استان: _____

	•/Δ
--	-----

د. عدم الوجدان يدل على عدم الوصول □

	-10
--	-----

د. ان: الشبهة اعم من المشكوكي □

• 15

☐ د. حکومت قاعدہ عب و حج

	-/Δ
--	-----

☐ تہ صحیح یا صحیح

--	--

خواب شهید صدر (۵) از آن را تبیین نماید.

	Y
--	---

«موضوعها» در مبحث «اعتراض بر ادله برائت» را به همراه مثال تبیین نماید.

فراغ دوم این که اوله و جوت احتیاجه فارادیه برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست
پوشی دارد و جای برای این برانست جایی که در این است که اوله و جوت اوله برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست
اوله و جوت اوله برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست
بیشتر وضع که اوله و جوت اوله برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست
که اوله و جوت اوله برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست فرجه در میان من بسته به دوری که از هر دو دور اوله و جوت اوله برانست

۷- رکن سوم منجزیت علم اجمالی را بیان نمایید و یک مورد از موارد اختلال این رکن را در ضمن مثال توضیح دهید.

۸- عبارت «ولا ینقض الیقین بالشک» در صحیحہ «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء...» چرا اختصاص به باب وضوء ندارد و قاعده‌ای عام است؟

۹- مراد از «شک تقدیری» و «شک فعلی» در بحث استصحاب را به همراه مثال توضیح دهید.

۱۰- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم ثانینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید.

۱۱- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزامم» بنویسید.

«سامانه پیام کوتاه ۰۰۰۱۷۱۷۳۱۴۴۳۱ اداره سنجش مصاحبت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

فصل اول ۹۷-۹۶
پنجشنبه ۱۳۹۶

مهر مدرسه

کتاب ۱۰ ص ۱۵۰ ۶۵ دقیقه

تذکره	تذکره	تذکره
تذکره	تذکره	تذکره
تذکره	تذکره	تذکره

۲۹۶۱/۲۲	۱۳۹۶/۱۰/۲۲	اصول فقه ۲	درس فی علم الأصول والعقائد الأولى و الثانية فی أصولها الفقهیة	از ابتدای اصول عدلیه تا پایان کتاب
---------	------------	------------	---	------------------------------------

نام و نام خانوادگی: ... نام: ... کلاس: ... مدرسه: ... شهر: ...

۱- حکم در مسأله «شخصی شک دارد حج بر او واجب است، زیرا شک در استطاعت خود دارد» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶

۰/۵

- (الف) شک در تکلیف و مجرای اشتغال ☐
(ب) شک در مکلف به و مجرای برائت ☐
(ج) شک در مکلف به و مجرای اشتغال ☐
(د) شک در تکلیف و مجرای برائت ☒

در اصل برت حکم شک دارد

۰/۵

۲- نقد استدلال به سیره عقلاء بر حجة الاستصحاب کدام است؟ ص ۲۷۶

- (الف) بحتمل ان لا يكون بنکة الكشف ☒
(ب) لا يمكن احراز هذه السيرة ☐
(ج) يحتمل الردع من جانب الشارع ☐
(د) لا يمكن اتصالها الى المعصوم (ع) ☐

۳- دلیل مطرح در عبارت: «ليس في الحكم الا الجعل و المجمعول و والجعل لا شك في بقائه و المجمعول لا يقين بحدوثه ...» نافی جریان کدام استصحاب است؟ ص ۲۹۱

۰/۵

- (الف) موضوعات مرکبة ☐
(ب) تدریجات ☐
(ج) حکم معلق ☒
(د) توارد حالتین ☐

۰/۵

۴- نسبت بین دو دلیل «ان الشاک فی الركعة الاولى، لابد ان یبعد» و «لا شک لکثیر الشک» چیست؟ ص ۳۰۵

- (الف) تفید ☐
(ب) حکومت ☒
(ج) تخصص ☐
(د) ورود ☐

۲

۵- استدلال به آیه شریفه «وما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» بر برائت را نوشته، نقد نمایید. ص ۲۴۲

جواب: با توجه به اینکه قبل از بعثت رسول خداوند عذاب نمی کند و رسول مانند مصداقی برای بیان است در نتیجه لا عقاب قبل از بیان نقد: نهایت آنچه که دلالت می کند عدم عقاب هنگام عدم صدور بیان است نه هنگامی که صادر شود از شارع و به دلیل مانعی به ما نرسد و رسول مانند مثالی برای صدور از جانب شارع است نه وصول فعلی به مکلف.

۶- اعتراف محقق نایینی (ره) در عبارت: «واعترض المحقق النائینی بان الاستصحاب یکون وجیهاً لوکان الاثر المراد ترتیه ثابتاً للواقع واما اذا کان ثابتاً لعدم العلم بالواقع فلامعنی جریان» به جریان استصحاب برای اثبات برائت، را تبیین نمایید. ص ۲۴۹ و ۲۵۰

۲

جواب:

محقق نایینی (ره) اعتراف کرده است که اثر مطلوب از استصحاب، نفی عقاب و ثبوت برائت است و این اثر مترتب بر عدم حدوث نیست تا به اجرای استصحاب نیاز باشد بلکه این اثر به مجرد عدم علم به حدوث حاصل است چون قاعده قبح عقاب بلا بیان موجود است و دیگر نیازی به اثبات تعدی برائت از طریق استصحاب نیست.

۷- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استجابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۵۸ و ۲۵۹-۲ نمره

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استجابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برائت ندارد و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حال راجح است.

۸- چهار رکن قاعده منجزیت علم اجمالی را بنویسید. ص ۲۶۴ - ۲ نمره

جواب: رکن اول: وجود علم به جامع، رکن دوم: وقوف علم به جامع و عدم سرایت آن به اطراف، رکن سوم: هر دو طرف صرف نظر از تعارض مشمول ادله برائت باشند. رکن چهارم: جریان برائت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعی شود.

۹- فرق بین «استصحاب» با قاعده «الیقین» و قاعده «المقتضی والمانع» را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۷۳ و ۲۷۴

جواب: قاعده یقین، متعلق شک همان متعلق یقین است و به همان یقین سابق سرایت می کند و حقیقه شک ناقض تکوینی یقین است برخلاف استصحاب که شک به بقای متیقن تعلق می گیرد، مثلاً به عدالت زید در روز جمعه علم داشتیم و سپس در روز شنبه به عدالت زید در روز جمعه شک کنیم. قاعده المقتضی والمانع در این قاعده یقین و شک به دو امر متناهی یعنی مقتضی و مانع تعلق می گیرد مثلاً ماری زید را گزید که مقتضی مرگ است اما شک می کنیم که آیا به طبیب مراجعه کرد یا خیر. ولی در استصحاب متعلق شک و یقین واحد است فقط زماناً فرق می کنند.

۱۰- در ضمن مثال «اصل مثبت» را تعریف نمایید. ص ۲۸۷ - ۱ نمره

جواب: استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر اثر تکوینی مستصحاب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترتب بر رویش محاسن زید است، بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید.

۱۱- مراد از عبارت «ان التنافی بین الحکمین تارة یکون بین الجعلین و اخری بین المجعولین» به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۳۰۲

جواب:

در تنافی بین دو جعل تنافی بین دو مدلول است، مثال: جعل وجوب حج بر مستطیع و جعل حرمت حج بر مستطیع که دو مدلول با هم تنافی دارند در تنافی بین دو مجعول به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند. مثال: دو مجعول در دو حکم «اذا وجد الماء فلیتوضأ لا لصلاة» و «اذا لم يجد الماء فلیتیمم لا لصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول متنفی و در نتیجه حکم فعلی نیست.

استانته مترکز عمومی (سطح ۲)

رشته: ۱۰۰ صبح	تاریخ: ۲۰۰۰	شماره: ۹۰ دقیقه
شماره نام خانوادگی	شماره	شماره
شماره نام خانوادگی	شماره	شماره

شماره سال اول ۹۵-۹۶

پایه پنجم ۵-۶
پایه هفتم ۷-۸

مهر مدرسه

کتاب: ۲۹۵۱/۲۴	نوع: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵
موضوع: اصول فقه ۴	کتاب: دروس فی علم الاصول جلد اول - نورانی
موضوع: دروس فی علم الاصول علیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)	

نام و نام خانوادگی: ... شماره: ... که می: ... در: ... شهر: ... استان: ...

۱- شک در «وجوب غسل» به دلیل «شک در حدث» شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۲۸

- الف. مکلف به - برائت ☐
- ب. مکلف به - اشتغال ☐
- ج. تکلیف - اشتغال ☐
- د. تکلیف - برائت ☒

۲- عدم منجزیت در شبهه غیر محصوره مستند به چه امری است؟ ص ۲۴۷

- الف. خروج برخی از افراد از محل ابتلا ☐
- ب. عدم لزوم وقوع در مخالفت قطعی ☒
- ج. جریان اصالة البرائة در همه اطراف ☐
- د. حکومت قاعده عسر و حرج ☐

۳- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام اتجاهات سازگار است؟ ص ۲۵۲

- الف. برجعة الاحالة السابقة ☒
- ب. الحکمة بقاء ما کان ☐
- ج. یقین بالحدوث ☐
- د. انتک فی البقاء ☐

۴- هر کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۵۳

- الف. قاعده مقتضی و مانع ☐
- ب. اصل استصحاب ☐
- ج. اصل اشتغال ☐
- د. قاعده یقین ☒

۵- مثال «یقین داریم آب گر سابق، دیگر گر نیست و لکن شک داریم ظهر از گر بودن خارج شده یا صبح» بر کدام مورد تطبیق می کند؟

- الف. شک در تقدم و تأخر ☒
- ب. شک در تدبیریات ☐
- ج. مجهرلی التاريخ ☐
- د. توارد حالتین ☐

۶- نسبت بین دو حکم «ان الشاک فی الركعة الثانية یعيد الصلاة» و «کثیر الشک لیس بشاک» کدام است؟ ص ۲۸۱

- الف. ورود ☐
- ب. تقیید ☐
- ج. حکومت ☒
- د. تخصیص ☐

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لَا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (الباق: ۷) بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین نماید. ص ۲۲۴ - ۲۲۰

جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤول است. اعتراض شیخ (ره)؛ اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، با توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.

۸- عبارت «الإعتراض الأول على أدلة البرائة الشرعية» هو أن الأدلة خاصة بمورد الشك البدوي دون المقترن بالعلم الاجمالي و واضح ان الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالي بثبوت التكالييف فلا يمكن اجراء البرائة.» را شرح داده و جواب شهيد (ره) از اشكال را بنويسيد. ص ۲۲۲ و ۲۲۳ - ۲ نمره

جواب: اشكال اولی که به ادله برائت وارد کرده اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آن ها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آن ها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.

جواب شهيد صدر (ره): بلى، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آن ها برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۹- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استحبابی و کراهتی چیست؟ ص ۲۴۰ - ۱ نمره

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است این ترخیص در امور استحبابی و کراهتی، یقینی است و نیازی به اصل برائت ندارد و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حال راجح است.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية.» را توضیح داده، جواب شهيد صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (ولو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهيد صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعای بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفصل بین أن یكون الشرط محتملاً بلحاظ المتعلق و بین كونه محتملاً بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشكال شهيد صدر (ره) به آن را بنويسيد. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

جواب: در خطاب «اعتق رقبه» متعلق، موضوع، رقبه است. گاهی شک متعلق می گردد به دعا هنگام عتق و گاهی تعلق می گیرد به شرط ایمان در رقبه. در حالت اول برائت جاری می شود، زیرا مرجع شک به شک در تقید واجب [عتق] به دعا است، یعنی شک در تکلیف زائد، لذا برائت از تکلیف زائد جاری می شود و در حالت دوم برائت جاری نمی شود، زیرا رقبه مومن متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برایت جاری کرد. اشكال شهيد: هر چند عقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقید عتق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه است. و از آن جهت که تقید تحت اختیار مکلف است و تعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقید، نسبت به آن برائت جاری می شود.

۱۲- با توجه به صحیحة «قلت له الرجل ینام و هو علی وضوء...» چرا برخی قائل شده اند که عبارت «و لا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی کند، یک جواب از آن بنويسيد. ص ۲۵۹ - ۲ نمره

جواب: استدلال برای عدم افاده عموم: زیرا در «لا ینقض الیقین بالشک» دو احتمال برای «لام» مطرح است یکی جنس و دیگری عهد که به وضوء بر می گردد و تردد مانع انعقاد اطلاق است. (۱ نمره) جواب: عبارت «فانه علی یقین من وضوءه» ظاهر در تعلیل به امر عرفی است و عرف نیز یقین را به طبیعی یقین حمل می کند. (۱ نمره) [جواب دیگر در کتاب]

۱۳- با توجه به عبارت «انه فی الشبهة الحکمیة اذا كان الموضوع باقیاً بکامل قیوده فلا یمن طرو الشک فی البقاء فلا بد من زوال بعضها و معه تختل الوحدة» اشكال به «رکن ثالث استصحاب در شبهه حکمیة» را تبیین کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید. ص ۲۶۲ - ۲ نمره

جواب: اشكال: در شبهات حکمیة اگر موضوع کاملاً باقی باشد پس شک در بقاء نیست (مگر به نحو نسخ) و اگر موضوع تغییر کرده است دیگر قضیه متیقنه با قضیه مشکوکه وحدت ندارد. جواب: وحدت معتبر در استصحاب وحدت عرفی است نه وحدت دقی به عبارت دیگر قیود عرفی دو قسم هستند: قیودی که مقوم موضوع هستند [حیثیة تقیدیه] و قیودی که مقوم موضوع نیستند [حیثیة تعلیلیة] در اختلال به قیود اول استصحاب جاری نمی شود و در دومی جاری می شود.

۱۴- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنويسيد. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می گوید اگر این انگور بخورند حرام می شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می شود یا که استصحاب می کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقايش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر مترزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱۵- «و ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تراحم» بنويسيد. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند. زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم يجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد. (۱/۵ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تراحم تنافی بین دو امثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (۵/۵ نمره)



امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شماره پرونده: ۹۴-۱۵
پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	نمره	امضاء
۱	نام و نام خانوادگی	تاریخ	نمره	امضاء
۲	نام و نام خانوادگی	تاریخ	نمره	امضاء
۳	نام و نام خانوادگی	تاریخ	نمره	امضاء
۴	نام و نام خانوادگی	تاریخ	نمره	امضاء

کتاب: ۲۹۴۳/۱۶	نوع: ۱۳۹۵/۰۶/۱۰	موضوع: اصول فقه ۴	کتاب: دروس فی علم الاصول (الحلقة الثانية - ابروئی)	موضوع: از ابتدای اصول علیه تا پایان کتاب
---------------	-----------------	-------------------	--	--

نام و نام خانوادگی: _____ نام پدر: _____ نام مادر: _____ کد ملی: _____ مدرسه: _____ استان: _____

- ۱- شک در «وجوب روزه» به دلیل «شک در شروع رمضان»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟
الف. تکلیف - برائت ☒
ب. تکلیف - اشتغال ☐
ج. مکلف به - برائت ☐
د. مکلف به - اشتغال ☐
- ۲- بنابر نظر شهید صدر (ره) کدام تعریف از «استصحاب» با تمام اتجاهات سازگار است؟
الف. مرجعیه الحالة السابقة ☒
ب. الحکم ببقاء ما کان ☐
ج. یقین بالحدوث ☐
د. الشک فی الیقین ☐
- ۳- در موارد «علم اجمالی بین وجوب یا حرمت دفن مخالف» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟
الف. الرکن الأول ☒
ب. الرکن الثاني ☐
ج. الرکن الثالث ☐
د. الرکن الرابع ☐
- ۴- نام حالتی که موضوع استصحاب مرکب باشد و شک در تقدم یک جزء بر دیگری داریم و البته به زمان تحقق هر دو جزء نیز چهل داریم، چیست؟
الف. الاستصحاب التعلیقی ☐
ب. الشک بین المحذورین ☐
ج. مجهولی التاريخ ☒
د. توارد الحالتین ☐
- ۵- نسبت دلیل «لا یجب الحج علی المستطیع المدين» به دلیل «يجب الحج علی المستطیع» چیست؟
الف. ورود ☐
ب. تقید ☐
ج. حکومت ☒
د. تخصیص ☐
- ۶- دو طرف علم اجمالی در نظر کسانی که «دوران بین اقل و اکثر» را به «دوران بین متباینین» بر می گردانند، چیست؟
الف. تسعة مقیده و عشرة مطلقة ☐
ب. تسعة مطلقة و عشرة مقیده ☐
ج. تسعة مطلقة و تسعة مقیده ☐
د. تسعة مقیده و جزء عاشر ☐
- ۷- دلالت آیه شریفه «وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۱۵) بر برائت را تبیین نماید.

۸- وجه تردید بین رفع و معارضه در عبارت قائلین به احتیاط: «انها معارضة بنصوص تدل على وجوب الاحتياط بنحو ترفع موضوع أدلة البرائة، او تعارضها من دون رفع موضوعها» را به همراه مثال تبیین نمایید.

۲

۹- سه قول مطرح در مقدار «منجزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معین کنید.

۲

۱۰- رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید.

۲

۱۱- قاعده «الیقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق آن با استصحاب را بنویسید.

۲

۱۲- اشکال در عبارت «فان قيل: ان الاستصحاب وان لم يكن جارياً حين الصلاة ولكنه بعد الفراغ منها يجري لكون الشك فعلياً آنذاک و بجريانه يثبت بطلانها. قلنا: ...» را بر «عدم جریان استصحاب با شک تقدیری» تبیین کرده، پاسخ دهید.

۲

۱۳- با توجه به عبارت «ان الامر التدريجي مجموعة حدوثات و الحدود الاول و ان كان متيقن التحقق الا انه لا شك في ارتفاعه و الثاني يشك في اصل تحققه...» اشکال بر جریان «استصحاب در تدریجات» را تبیین کرده، پاسخ دهید.

۲

۱۴- دلالت روایت شریف «سألته عن رجل اختلف عليه رجلان من اهل دينه في امر ... قال عليه السلام: يرجئه حتى يلقى من يخبره، فهو في سعة حتى يلقاه» بر «تخیر» در تعارض مستقر را تبیین کرده، نقد کنید.

۲

۱۵- تقدم استصحاب بر برائت را بر اساس «حکومت» تبیین نمایید.

۲

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۶۴۳۱ اداره سنجش معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»



امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

امتحان دوم فصلی ۹۴-۹۵
پایه پنجم دوره اول

مهر مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۱	شماره نام خانوادگی	شماره ردیف	شماره برگه
۲	شماره نام خانوادگی	شماره ردیف	شماره برگه

کتاب: ۲۹۴۲/۲۷	نوع: ۱۳۹۵/۰۳/۱۶
موضوع: اصول فقه ۴	کتاب: دروس فی علم الاصول - حلقه تالیف آقای ابراهیم
موضوع: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)	

نام و نام خانوادگی: نام پدر: مدرسه: شهر: استان:

۱- بنابر نظر شهید صدر (ره) مراد از «شبهه» در روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة» چیست؟ ص ۲۳۴

- الف. شبهات در علم اجمالی ☐
- ب. دعوت‌های شبهه حق ☒
- ج. تکلیف مشکوک ☐
- د. متشابهات قرآن ☐

۲- در هنگامی که می‌دانیم «در بین گوشت‌های موجود در فروشگاه بسیار بزرگ، یکی ذبح شرعی نشده است» کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل می‌شود؟ ص ۲۴۷

- الف. رکن اول ☐
- ب. رکن دوم ☐
- ج. رکن سوم ☐
- د. رکن چهارم ☒

۳- بنابر نظر آیه الله خویی (ره) اگر استصحاب، اماره باشد، چگونه تعریف می‌شود؟ ص ۲۵۲

- الف. مرجعیه الحاله السابقه ☐
- ب. الحکم ببقاء ما کان ☐
- ج. التیقن بالحدوث ☒
- د. الشک فی البقاء ☐

۴- لازمه بیان رکن چهارم استصحاب به صیغه «ان شرط جریان الاستصحاب ان يكون المستصحب حکماً شرعياً او موضوعاً لحکم شرعی» چیست؟ ص ۲۶۳

- الف. عدم جریان استصحاب عدم تکلیف ☒
- ب. عدم جریان استصحاب حکم شرعی ☐
- ج. عدم جریان استصحاب تکلیف ☐
- د. جریان استصحاب عدم تکلیف ☐

۵- نام حالتی که شخص می‌داند وضوء گرفته است ولی نمی‌داند صحیح وضوء گرفته یا ظهر، چیست؟ ص ۲۷۱

- الف. الشک فی التقدم و التأخر ☒
- ب. تعارض الاستصحابین ☐
- ج. مجهولی التاريخ ☐
- د. توارد الحالتین ☐

۶- اگر موضوع اصل را «عدم علم» بدانیم و شارع نیز اماره را به «منزله علم» قرار داده باشد، وجه تقدم اماره بر اصل چیست؟ ص ۲۸۸

- الف. ورود ☐
- ب. تنقید ☐
- ج. حکومت ☒
- د. تخصیص ☐

۷- استدلال به حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» بر «برائت» را تقریر کرده، چه اشکالی بر آن مطرح است؟ ص ۲۲۶ - ۲۲۸

استدلال: املاق مساوق اسان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می‌کند که بگوئیم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] ایمنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک. (۱) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا می‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱) (نمره)

۸- بر فرض قبول معارضه ادله احتیاط با ادله برائت در شبهات بدوی، دو دلیل برای ترجیح ادله برائت بنویسید. ص ۲۳۶ - ۱/۵

جواب:

۱. دلیل برائت. قرآنی است و چون قطعی است مقدم می شود. ۲. دلیل برائت مختص به شبهات بدوی است [نه شبهات مقرون به علم اجمالی] در نتیجه اخص است و به دلیل اخصیت مقدم می شود. (ترجیح سوم در کتاب)

۹- با توجه به عبارت «ان الترخیص فی جمیع الاطراف ینافی الوجوب الواقعی المعلوم بالاجمال، لما تقدّم من تضاد الاحکام التکلیفیة» چرا مشهور قائل به استحالة جریان برائت در همه اطراف علم اجمالی شده اند؟ نظر شهید صدر (ره) چیست؟ ص ۲۴۳ - ۲

جواب: دلیل مشهور بر استحالة: ترخیص در تمام اطراف معنایش این است که مثلاً مولی چیزی را واجب کند و در همان وقت ترک آن را اجازه دهد یعنی دو حکم الزام و ترخیص در یک واقعه جمع شوند که با توجه به تضاد احکام تکلیفیه استحالة دارد. نظر شهید صدر (ره): این سخن در صورتی وجهی است که ترخیص واقعی باشد [یعنی در موضوعی شک اخذ نشود] ولی به دلیل این که ترخیص در هر طرف علم اجمالی، حکم ظاهری است منافاتی با جمع شدن با حکم واقعی دیگر ندارد.

۱۰- حکم مسأله در «شک در شرطیة» چیست؟ با دلیل تبیین نمایند. ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲

جواب: مانند شک در جزئیة، حکمش برائت است زیرا مرجع شرط شرعی برمی گردد به تخصیص واجب به حصه ای خاص یعنی تعلق می گیرد امر به فعل و تنقید و این معنایش این است که شک در شرطیة برمی گردد به علم به ذات فعل و شک در تنقید که برائت جاری می شود. [مورد از موارد دوران بین اقل و اکثر است نه متباین]

۱۱- عبارت «کیف اعتبر البناء علی الشک نقضاً للیقین و الحال ان الیقین السابق بالطهارة لا یزول بالشک فی الحدث بقاء فان ذاک متعلق بالحدث و هذا بالبقاء، فکیف اسند نقض الیقین الی الشک» را درباره «روایت استصحاب» توضیح داده، جوابی برای آن بنویسید. ص ۲۵۶

۲- نمرة جواب: اشکال شده است که چطور در روایت، شک را ناقض یقین قلمداد کرده در صورتی که یقین سابق به طهارت با شک به حدث بقاء زائل نمی شود زیرا یقین به حدوث تعلق گرفته و شک به بقاء، پس چطور در روایت «لا تنقض الیقین بالشک» نقض یقین را به شک اسناد داده است، جواب: اگر چه در استصحاب، شک ناقض تکوینی یقین نیست زیرا متعلق یقین و شک متفاوت است اما با عنایت عرفی اسناد مذکور تصحیح می شود زیرا عرف زمان را الفاء نموده و دو متعلق را از حیث ذات یکی می داند، در نتیجه اسناد تصحیح می شود.

۱۲- مراد از «شک تقدیری» و «شک فعلی» در بحث استصحاب را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۱ - ۲

جواب: گاهی اوقات شک فعلی است یعنی شخص بالفعل شک دارد ولی گاهی اوقات شک تقدیری است یعنی اگر شخص التفات داشته باشد، شک می کند، مثلاً اگر مکلف یقین به حدث داشته و سپس در بقاء حدث شک کند و یا همین شک نماز بخواند، نمازش باطل است زیرا شک او فعلی است و استصحاب جاری می شود اما اگر مصلف یقین به حدث داشته باشد و غفلت کند و نماز بخواند و بعد از نماز شک کند که آیا حین نماز حدث باقی بود یا نه در این حالت شک تقدیری است یعنی اگر ملتفت بود شک در بقاء حدث دانست، در این صورت استصحاب جاری نمی شود.

۱۳- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲

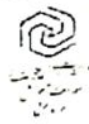
جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونه ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم طبعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انضمام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی شود (۱ نمرة) زیرا رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول] با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند (۱ نمرة)

۱۴- «تعارض» اصطلاحی را تعریف کرده، چه تفاوتی با «تزام» دارد؟ ص ۲۷۸ و ۲۷۹ - ۱/۵

جواب: تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل از حیث مدلولهایشان به این نحو که ثبوت هر دو دلیل با هم در واقع امکان ندارد. (۱ نمرة) با توجه به تعریف تعارض، تنافی بین دو جمل است ولی التزام تنافی بین دو امتثال است که ربطی بین دو مدلول ندارد. (۰/۵ نمرة)

۱۵- پنج احتمال در «قاعده اولیه تعارض مستقر» را نوشته، یک احتمال را با دلیل رد کنید. ص ۲۸۳ و ۲۸۴ - ۲

جواب: احتمال اول: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب می کند، احتمال دوم: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند ولی مشروط به عدم التزام به دلیل دیگر، این احتمال نیز غیر معقول است زیرا در صورت عدم التزام به هر دو دلیل، هر دو حجت هستند که محذور سابق پیش می آید. احتمال سوم: شارع برای یک طرف معین حجیت را جعل کند. این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل و توجیهی بر حجیت یک طرف نداریم. احتمال چهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این احتمال نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی کند. در نتیجه فقط نساقط که احتمال پنجم است باقی می ماند. (پنج احتمال ۱/۲۵ نمرة و یک دلیل رد ۰/۷۵ نمرة)



امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

لیست سال اول ۹۵-۹۴

پایه پنجم ۵-۴
پایه هفتم ۷-۶

مهر مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	نمره	مجموع نمرات
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				

کتاب:	۲۹۴۱/۲۳
نسخه:	۱۳۹۳/۱۰/۱۹
موضوع:	اصول فقه ۲
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حلقه ثانیه - آقای ابراهیم
موضوع:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۳۱۲-۲۳۸)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه: شهر: استان:

۱- حکم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟ ص ۲۵۶

☐ ۰/۵

- ☐ الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال
- ☐ ب. شک در مکلف به و مجرای برائت
- ☐ ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال
- ☒ د. شک در تکلیف و مجرای برائت

۲- اگر مکلف قبل از علم اجمالی به «یک طرف از علم اجمالی» مضطر شود، کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل است؟ ص ۲۶۵

☐ ۰/۵

- ☒ الف. رکن اول
- ☐ ب. رکن دوم
- ☐ ج. رکن سوم
- ☐ د. رکن چهارم

۳- در کدام مورد «نقض یقین» تکوینی است؟ ص ۲۷۷

☐ ۰/۵

- ☐ الف. قاعده مقتضی و مانع
- ☐ ب. اصل استحباب
- ☒ ج. قاعده یقین
- ☐ د. اصل اشتغال

۴- نام حالتی که شخص اجمالاً می داند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی نمی داند کدام مقدم است، چیست؟ ص ۲۹۷

☐ ۰/۵

- ☐ الف. الشک فی التقدم و التأخر
- ☐ ب. الشک بین المحذورین
- ☐ ج. مجهولی التاريخ
- ☒ د. توارد الحالین

۵- کدام گزینه طبق نظر مشهور، نسبت به استصحاب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۹

☐ ۰/۵

- ☐ الف. هر دو جاری می شوند و تعارض می کنند.
- ☒ ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی
- ☐ ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری
- ☐ د. مسببی بر سببی حاکم است.

۶- اگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره را نیز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ۳۱۲

☐ ۰/۵

- ☒ الف. ورود
- ☐ ب. حکومت
- ☐ ج. تخصص
- ☐ د. تخصیص

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِی مَا أُوحِیَ إِلَیَّ مُحَرَّمًا عَلَی طَاعِمٍ یَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ یَكُونَ مِیْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا...» (انعام: ۱۴۵) بر برائت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می کند؟ ص ۲۴۳-۲ نمره

☐ ۲

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محابّه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعیه» است. اشکال: نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی تواند پس از فحص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می کند - با اثبات یا نفی برائت شرعیه، بیگانه است.]

۸- عبارات «الاعتراض الاول على أدلة البرائة الشرعية» هو ان الادلة خاصة بمورد الشك البدوى دون المقترن بالعلم الاجمالى و واضح ان الفقيه لو لاحظ جميع الشبهات حصل له علم اجمالى بثبوت التكليف فلا يمكن اجراء البرائة. را شرح داده و جواب شهيد (ره) از اشكال را بنويسيد. ص ۲۵۰ و ۲۵۱ - ۲ نمره

جواب: اشكال اولی که به ادله برائت وارد کرده اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می کند مثلاً اگر بیست تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آنها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچ کدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آنها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.

جواب شهید صدر (ره): بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۹- کن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجز علم اجمالی گشته را بیان کرده،

کلیل رکعت آن را بنویسید. ص ۲۶۴ و ۲۶۷ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعیه شود و وقوع مخالفت قطعیه به اذن شرعی در خارج امکان داشته باشد. مثلاً در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعیه نمی شود. دلیل رکعت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعیه می شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلاً) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعیه نشود، می توان آن را اجرا نمود و با اجرای برائت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می شود. [یعنی موافقت قطعیه لازم نیست.]

۱۰- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمایند. ص

۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در اعتق رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تعقیب عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تعقیب بر می گردد و برائت جاری می شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تعقیب نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تعقیب بر نمی گردد تا برائت جاری شود.

۱۱- اعتراض آیه الله خویی (ره) را در عبارت «اعتراض السيد الاستاذ بأنه يلزم فی التعریف ان یکون تاماً علی کل الاتجاهات و الحال ان التعریف الاستصحاب بالحکم ببقاء ما کان لیس کذلک و یناسب افتراض کون الاستصحاب اصلاً اذ علی الاماریة يلزم تعریفه بالیقین

بأنه بدو» بر تعریف استصحاب تبیین کرده: دو نقد شهید صدر (ره) بر ایشان را بنویسید. ص ۲۷۲ و ۲۷۳ - ۲ نمره

جواب: آیه الله خویی (ره) به تعریف مشهور از استصحاب اشکال می کنند که ملازم با تمام مبانی در استصحاب نیست زیرا برخی استصحاب را اصل عملی می دانند و برخی استصحاب را اماره و این تعریف مناسب با اصل بودن است و تعریف مناسب برای کسانی که استصحاب را اماره می دانند، یقین به حدوث است زیرا یقین به حدوث اماره است برای بقاء سابق، نقد شهید صدر (ره): ۱. در حقیقت اماره بر بقاء سابق، خود حدوث است نه یقین به حدوث زیرا یقین فقط طریق است ۲. هر چند که دو مبنا در حقیقت استصحاب است اما هر دو حکم ظاهری هستند در نتیجه می توان به عنوان جامع از حکم ظاهری در تعریف استفاده نمود که هر دو مبنا را شامل شود. [نقد دیگر در کتاب]

۱۲- برخی اشکال کرده اند که صحیحۃ زارة: «قلت له: الرجل ینام و هو علی وضوء، اتوجب الخفقة و الخفقتان علیه الوضوء... قال: لا، حتی یستیقن انه قد نام ... و لا ینقض الیقین ابدأ بالشک» ناظر به قاعده مقتضی و مانع است نه استصحاب، دلیل آنها را به همراه یک نقد

بنویسید. ص ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: اشکال: با توجه به اینکه در روایت، یقین به وضوء تعلق گرفته و وضوء نیز آنی الحصول است، در نتیجه بقائی ندارد که در آن شک کنیم بلکه وضوء مقتضی طهارت است، بنابر این یقین به مقتضی طهارت تعلق گرفته است و شک متعلق به حدوث مانع است، جواب: همانطور که وضوء برای غسل و مسح استعمال می شود به معنای طهارت نیز استعمال می شود و شاهد آن اینکه در روایت آمده: «ینام و هو علی وضوء» و از حدث به ناقض وضوء تعبیر شده است [و ظهور در «لا تنقض الیقین بالشک» در وحدت متعلق یقین و شک استصحاب را متعین می کند]

۱۳- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۸۵ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع می داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند، مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتنجس بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تنجس» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغییر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می نامند.

۱۴- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثالی بزنید. ص ۳۰۵ - ۲ نمره

جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می کند گاهی آن ها را توسعه می دهد. (نمره ۱/۵) مانند الربا حرام (محکوم)، لا ربا بین الوالد و الوالد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام شرعیة مثل وجوب صوم و ... (۵/۰ نمره)

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۰۷ و ۳۰۸ - ۱ نمره

جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامه است.

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

عہر مدرستہ

نام و نام خانوادگی: نام پدر: که متعلق به در شهر: شهرستان: استان:

•/Δ

- | | |
|--|---|
| | 5 |
|--|---|

- 102

- | | |
|--|-----|
| | •/Δ |
|--|-----|

- /Δ

- 15

- | | |
|--|---|
| | 2 |
|--|---|

استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صلق می‌کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی [عدم وصول نهی] یعنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک (۱ نمره) اشکال: در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می‌توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. وصول به مکلف ۲. صدور از شارع. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود است که در یک معنا نمی‌تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)

	1
--	---

	2
--	---

ط است. (۱ نمره)

	2
--	---

میں نمائید، ص

	7
--	---

بالشک» افاده

	Y
--	---

من زوال بعضہا

٢٨٥ - ٢ فمره

	۲
--	---

ضیہ شرطیہ هنوز

می کند۔

باشد موضوع حکم

بین دو مجہول

21



سازمان آموزش عالی
جمهوری اسلامی ایران

استانات مترکز عمومی (سطح ۲)

لیکسال اول ۱۴-۱۳

پنجم ۵ ساله
هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۱	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۲	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۳	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۴	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۵	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل

۱۳۹۳/۲۷	تاریخ
۱۳۹۳/۱۰/۲۰	تاریخ
اصول فقه ۲	موضوع
دروس فی علم الاصول مفهوم تائید - آثاری ابروایی	موضوع
از ابتدای اصول علیه نایابان کتاب (ص ۲۳۸-۲۶۲)	موضوع

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مادر: مدرسه: شهر: استان:

۱- چرا استدلال به آیه شریفه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» (الاسراء: ۱۵) بر برائت مخدوش است؟ ص ۲۴۳

- الف. «حتی نبعث رسولا» کنایه از وصول است. ☐
- ب. «رسول» به عنوان مصداقی از بیان است. ☐
- ج. «حتی نبعث رسولا» کنایه از صدور است. ☒
- د. «حتی نبعث رسولا» دو وجهی است. ☐

۲- شک در «وجوب نماز آیات» به دلیل شک در «وقوع خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۵۷

- الف. تکلیف - برائت ☒
- ب. تکلیف - اشتغال ☐
- ج. مکلف به - برائت ☐
- د. مکلف به - اشتغال ☐

۳- گزینه صحیح در صورتی که قائل شویم در «علم اجمالی به وجوب»، وجوب به واقع تعلق گرفته است، کدام است؟ ص ۲۶۰

- الف. فقط در جامع موافقت قطعی واجب است. ☐
- ب. موافقت احتمالی واجب است. ☐
- ج. مخالفت احتمالی جایز است. ☐
- د. موافقت قطعی واجب است. ☒

۴- در موارد «علم اجمالی بین مخذورین» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۶۷

- الف. الرکن الرابع ☒
- ب. الرکن الثانی ☐
- ج. الرکن الثالث ☐
- د. الرکن الأول ☐

۵- به نظر شهید صدر (ره) احتمال قوی تر برای جزاء جمله شرطیه در روایت «و لا یستیقن انه قد نام» فانه علی یقین من وضوئه» کدام است؟ ص ۲۷۸

- الف. جمله خبریه «فانه علی یقین من وضوئه» ☐
- ب. جمله انشائییه «فانه علی یقین من وضوئه» ☐
- ج. و لا ینقض الیقین بالشک ☐
- د. فلا یجب علیه الوضوء ☒

۶- نسبت بین دو حکم «یجب الحج علی المستطیع» و «المذین لیس مستطیعاً» کدام است؟ ص ۳۰۵

- الف. تخصیص ☐
- ب. حکومت ☒
- ج. ورود ☐
- د. تقید ☐

۷- کیفیت استدلال به آیه شریفه «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاه» (الطلاق: ۲) بر برائت را نوشته و اشکال شیخ اعظم (ره) به آن را تبیین نمایید.

ص ۲۴۲ - ۲ - نمره

جواب: «ما»ی موصول اطلاق دارد، لذا مراد از آن معنایی جامع بین مال، فعل و تکلیف است. به این معنا که انسان در مقابل مال فقط به اندازه‌ای که به او روزی داده می‌شود و در فعل به اندازه توان جسمی و در تکلیف به اندازه‌ای که به او می‌رسد مکلف است. پس فقط نسبت به تکالیفی که به او رسیده است، مسؤل است. اعتراض شیخ (ره): اراده جامع از «ما» ممکن نیست. زیرا اگر معنای تکلیف لحاظ شود «ما» مفعول مطلق است و اگر معنای مال را در نظر بگیریم مفعول به. نسبت بین فعل و مفعول به با نسبت بین فعل و مفعول مطلق مغایر است. و از آن جایی که استعمال لفظ واحد در بیش از یک معنا صحیح نیست، یا توجه به سیاق آیه قبل، «ما» متعین در معنای مال است.

۸- شهید صدر (ره) رفع در حدیث «رفع ما لایعلمون» را رفع ظاهری می‌داند، زیرا محال است قید «علم به حکم» در موضوع حکم اخذ شود، چه اشکالی به دلیل ایشان مطرح نموده‌اند و جواب شهید صدر (ره) از آن چیست؟ ص ۲۴۵ - ۲ نمره

جواب: اشکال: امکان دارد اخذ قید علم به حکم در موضوع مجعول. (ره) جواب شهید (ره): ظاهر حدیث رفع این است که آن چه مرفوع است همان مجهول است. درحالی که بنابر اخذ علم به جعل در موضوع مجعول، مرفوع غیر از مجهول است. زیرا مرفوع، مجعول است؛ درحالی که مجهول جعل است. لذا ظاهر حدیث با اخذ علم به جعل در موضوع مجعول ایبا دارد. (ره) ۱/۵ نمره

۹- درباره شرطیت فحص در برائت گفته شده است: «إن بعض أدلة البرائة له إطلاق لحالة ما قبل الفحص كما في حدیث الرفع»، شهید صدر (ره) در جواب می‌فرماید: «لابد من رفع اليد عن هذا الإطلاق لأمر»، دو امر از این امور را بنویسید. ص ۲۵۵ - ۲ نمره

جواب: ۱. مکلف علم اجمالی دارد که نسبت به برخی وقایع تکلیف دارد، لذا برای اینکه بتواند برائت جاری کند باید جستجو کند تا به آن مقدار که اجمالا برایش معلوم بوده است دست پیدا کند و علم اجمالی منحل شود. ۲. آنچه دلالت می‌کند بر وجوب تعلم - مثل اینکه در قیامت از انسان پرسیده می‌شود چرا عمل نکردی؟ می‌گوید نمی‌دانستم. به او می‌گویند چرا یاد نگرفتی؟ - اطلاق دلیل برائت را تقید می‌زند به موارد بعد از فحص و ثابت می‌کند که شک بالفحص و یادگیری عذر شرعی محسوب نمی‌شود. ۳. برخی ادله برائت مثل «ما كنا معینین حتی نبعث رسولا» دلالت می‌کند بر اینکه غایت برائت بعث رسول است، و از آنجایی که «بعث رسول» کنایه از بیانی است که در معرض وصول باشد نه اینکه وصول به فعلیت رسیده باشد، برائت مشروط است به اینکه بیان در معرض وصول نباشد، لذا فحص قبل از برائت واجب است تا معرضیت وصول منتفی شود.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البرائة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۶۱ و ۲۶۲ - ۲ نمره

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم یا آن حکم بالاجمال (مخالفت قطعی) کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «وقد یفصل بین أن یکون الشرط محتملاً بلحاظ المتعلق و بین کونه محتملاً بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (ره) بر آن را بنویسید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: در خطاب «اعتق رقبه» متعلق، عتق و موضوع، رقبه است. گاهی شک متعلق می‌گردد به دعا هنگام عتق و گاهی متعلق می‌گردد به شرط ایمان در رقبه. در حالت اول برائت جاری می‌شود، زیرا مرجع شک به شک در تقید واجب [عتق] به دعا است، یعنی شک در تکلیف زائد، لذا برائت از تکلیف زائد جاری می‌شود و در حالت دوم برائت جاری نمی‌شود. زیرا رقبه مومن متعلق وجوب نیست. پس شک در تقید رقبه به ایمان شک در وجوب است تا بتوان برائت جاری کرد. اشکال شهید هر چند مقید کردن رقبه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقید عتق به ایمان رقبه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عتق به ایمان رقبه است. و از آن جهت که تقید تحت اختیار، تلف است و متعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب، تقید، نسبت به آن برائت جاری می‌شود.

۱۲- اگر رکن اول استصحاب عبارت از «یقین به حدوث» باشد، اشکال شده در مواردی که اماره بر حالت سابقه قائم شده است نباید بتوان مؤدای اماره را استصحاب کرد در حالی که شکی در استصحاب آن نیست، دو جوابی که از این اشکال داده شده است را بیان نمایید. ص ۲۸۲ - ۲ نمره

جواب: جواب اول از محقق نایبی: از آن جهت که قطع، جزء موضوع استصحاب است، قطع در آن موضوعی است و بر اساس اینکه اماره قائم مقام قطع موضوعی است، می‌تواند قائم مقام قطع موضوعی واقع در موضوع استصحاب قرار بگیرد. جواب دوم: برخی منکر رکنیت یقین برای استصحاب شده‌اند و استظهار کرده‌اند: یقینی که در لسان دلیل اخذ شده است، به عنوان اینکه مشیر به حدوث است اخذ شده است و چون اماره حدوث را ثابت می‌کند، پس استصحاب جاری می‌شود.

۱۳- در ضمن مثال استصحاب سببی و مسببی را تعریف نمایید. ص ۲۹۸ - ۲ نمره

جواب: هنگام شک در طهارت آب، از آن جهت که طهارت آب موضوع جواز شرب است، هنگام شک در جواز شرب آب، استصحاب طهارت آب جاری می‌شود و جواز شرب که اثر آن است را ثابت می‌کند به استصحاب جاری در طهارت آب، استصحاب سببی گفته می‌شود. زیرا مانند سببی است برای حکم شرعی جواز شرب. حال اگر به خود حکم جواز شرب توجه کنیم، قبلاً متیقن الحدوث بوده و الان مشکوک البقا است، لذا حالت سابقه آن یعنی جواز شرب را استصحاب می‌کنیم. به استصحاب جاری در جواز شرب اصل مسببی گفته می‌شود، زیرا جواز شرب مانند مسبب است برای طهارت آب.

۱۴- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزاحم» بنویسید. ص ۳۰۳ - ۲ نمره

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. زیرا فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی دو حکم نمی‌توانند با هم فعلی باشند اگر چه دو جعل با هم تنافی ندارد. (ره) ۱/۵ نمره

فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است و در تزاحم تنافی بین دو امتثال است ولی در ورود تنافی بین دو مجعول است. (ره) ۱/۵ نمره

۱۵- یک وجه برای تقدیم استصحاب در تعارض بین «برائت و استصحاب» را نوشته، توضیح دهید. ص ۳۱۱ - ۱ نمره

جواب: ۱. دلیل استصحاب حاکم بر دلیل برائت است. چون دلیل برائت در موضوع عدم علم اخذ شده ولی دلیل استصحاب لسان آن ایقاعی یقینی است یعنی با وجود استصحاب گویا شکی نیست لذا موضوع برائت ملتی می‌شود. ۲. دلیل استصحاب عرفاً از دلایل برائت است در عمومیه و شمول (نسبت به محل اجتماع هر دو که حالت شک بلوی مسبوق به یقین باشد) چون در بعضی روایات استصحاب فرموده: لا ینقض الیقین بالشک أبداً، و این تأیید آن را اقوی دلاله از دلیل برائت قرار می‌دهد. [یک وجه کافی است].

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شهریور سال تحصیلی ۹۲-۹۳

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل آزمون	زمان
۱	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل آزمون	زمان
۲	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل آزمون	زمان
۳	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل آزمون	زمان
۴	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل آزمون	زمان
۵	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل آزمون	زمان

۲۹۱۳/۲	۱۳۹۳/۰۶/۰۵	اصول فقه ۲	حلقه تأیید شهید صدر	از تعداد اسرار ملکه تا پایان کتاب (ص ۲۲۱-۲۱۳)
--------	------------	------------	---------------------	---

نام و نام خانوادگی: شهر: مدرسه: کلاس:
 شماره:
 ۰/۵

۱- چرا شهید صدر (ره) مقایسه خداوند متعال با مولای عرفی برای اثبات برائت شرعیه را صحیح نمی داند؟ ص ۲۱۷

- الف. عقل قادر به فهم مصالح و مفاسد نیست. ☐
 ب. عقلاء نمی توانند بر خداوند تکلیف کنند. ☐
 ج. حق الطاعة برای خداوند نامحدود است. ☐
 د. حق الطاعة برای خداوند ذاتی است. ☒

۲- بنا بر نظر شهید صدر (ره) مراد از «شبهه» در روایت «الوقوف عند الشبهة خير من الاقتحام فی الهلكة» چیست؟ ص ۲۳۵

- الف. تکلیف مشکوک ☐
 ب. دعوت های شیوه حق ☒
 ج. شبهات در علم اجمالی ☐
 د. مستحبات قرآن ☐

۳- برخی به یکی از ارکان استصحاب اشکال کرده اند که رکنیت آن مخصوص شبهات موضوعیه است و در شبهات حکمیه قابل تصور نیست، منظور ایشان کدام رکن است؟ ص ۲۷۹

- الف. اول ☐
 ب. دوم ☐
 ج. سوم ☒
 د. چهارم ☐

۴- اگر فرض کنیم مطهریت آب مترتب بر وصف اجتماع «طهارت آب» و «کریه آب» باشد و طهارت یقینی است ولی الان در کُریه آب شک قبلاً کر بوده، شک کرده ایم، آیا آب در صورت ملاقات با متنجس مطهر است؟ چرا؟ ص ۲۹۲

- الف. خیر - عدم حجیت اصل مثبت ☒
 ب. بله - برائت در شبهه موضوعیه ☐
 ج. بله - استصحاب موضوع مرکب ☐
 د. خیر - استتال ذمه به دلیل علم اجمالی ☐

۵- نام حالتی که شخص اجمالاً می داند هم حادث شده و هم وضوء گرفته، ولی نمی داند کدام مقدم است، چیست؟ ص ۲۹۶

- الف. التمسک فی التقدم و التأخر ☐
 ب. التمسک بین المحذورین ☐
 ج. مجهولی التاریخ ☐
 د. توارید الخلقین ☒

۶- اگر موضوع اصل را «عدم حجت» بدانیم و اماره را نیز حجت، چرا اماره بر اصل مقدم است؟ ص ۳۱۹ و ۳۲۰

- الف. ورود ☒
 ب. حکومت ☐
 ج. تخصص ☐
 د. تخصص ☐

۷- با توجه به عبارت «لا یتیم الاستدلال بحديث (کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی) اذ لم یعلم ان الملحوظ فیه الوفود النهی علی المكلف المتساوی لوصوله الیه، بل لعل الملحوظ وفوده علی الشیء نفسه، كما یناسبه قوله (یرد فیه نهی)» استدلال بر برائت و اشکال شهید صدر (ره) را تبیین نمایید. ص ۲۲۳-۲۲۲

جواب: استدلال: اطلاق مساوق امان دادن است و شخصی که شک در تکلیف دارد در حق او صدق می کند که بگوییم نهی به او نرسیده است، پس عدم ورود نهی (عدم وصول نهی) ایمنی بخش از تکلیف مشکوک است یعنی برائت از تکلیف مشکوک (۱ نمره) اشکال شهید صدر (ره): اگر چه «ورود» حیثیت رسیدن و حضور نزد چیزی را بر ذرون خود دارد ولی در معنای «ورود» در روایت، دو احتمال وجود دارد زیرا می توان ورود را به دو نحو لحاظ کرد. ۱. رسیدن نهی به مکلف که هم معنای وصول به مکلف است. ۲. رسیدن نهی به خود منهی عنه باشد. یعنی از مولا تکلیف صادر شود که البته با «یرد فیه نهی» مناسب است. با توجه به اینکه دو احتمال در معنای ورود داشت که در یک معنا نمی تواند برائت ثابت شود، برائت ثابت نیست. (۱ نمره)

۸- است. امری که موجب می شود از اطلاق دلیل برائت نسبت به موارد «عدم فحص» رفع ید شود را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: است. امری که موجب می شود از اطلاق دلیل برائت نسبت به موارد «عدم فحص» رفع ید شود را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۱/۵ نمره
اولاً: بعضی از ادله برائت، تکلیف مشکوک در معرض وصول (یعنی اگر مکلف فحص کند به آن می رسد) را تأمین نمی کند و شامل موارد عدم فحص نمی شود مانند آیه «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» ثانیاً: مکلف علم اجمالی دارد بوجود تکالیف در شبهات حکمیه تا وقتی که این علم اجمالی منحل نشود، نمی توان برائت جاری کرد و تنها در صورتی منحل می شود که فحص کنیم. پس اجرای برائت مختص موارد بعد از فحص است. ثالثاً: اخبار دال بر وجوب تعلم، دلالت دارد که شک بدون فحص و تعلم عذر شرعی نیست در نتیجه مقید اطلاق ادله برائت است.

۹- دلیل وجوب موافقت قطعی در «علم اجمالی» را با توجه به جریان اصول تریخی تبیین نمایند. ص ۲۴۷ و ۲۴۹ و ۲۵۰ - ۲ نمره

۲

جواب: با توجه به اینکه نمی توان در هر دو طرف علم اجمالی برائت جاری نمود زیرا منجر به مخالفت قطعی می شود (عقلانیا) پس اصول تعارض و تساقط می کنند و از طرفی فقط در یک طرف خاص نیز نمی توان برائت جاری کرد زیرا با توجه به اینکه نسبت دو طرف به جامع یگسان است ترجیح بالا مرجع می شود در نتیجه وقتی در طرف مشکوک نتوان برائت جاری نمود تکلیف در هر دو طرف منجز است و باید هر دو طرف را امتثال نمود و این یعنی موافقت قطعی لازم است.

۱۰- رکن چهارم از ارکان «منجزیت علم اجمالی» را به همراه مثالی که عدم این رکن موجب سقوط تنجیز علم اجمالی می باشد را بیان کرده. دلیل رکنیت آن را بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۶ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم: اجرای برائت در همه اطراف موجب ترخیص در مخالفت قطعی شود و وقوع مخالفت قطعی در خارج امکان داشته باشد مثلاً در حالت دوران امر بین محذورین حتی اگر در دو طرف برائت جاری شود موجب مخالفت قطعی نمی شود. دلیل رکنیت: محذور اجرای برائت در دو طرف به دلیل این است که موجب مخالفت قطعی می شود که با تکلیف معلوم بالاجمال منافات دارد (عقلاً یا عقلانیا) پس وقتی اجرای برائت در اطراف موجب مخالفت قطعی نشود، می توان آن را اجرا نمود و با اجرای برائت در اطراف دیگر علم اجمالی از منجزیت ساقط می شود. [یعنی موافقت قطعی لازم نیست]

۱۱- برخی در موارد «شک در شرطیت» بین «متعلق» و «متعلق متعلق» تفصیل داده اند، دلیل ایشان را به همراه مثالی تبیین نمایند. ص ۲۶۲ - ۲ نمره

جواب: در استثنای رقبه، شرط گاهی شرط متعلق است مثل دعا هنگام عتق و گاهی شرط متعلق متعلق است مثل ایمان برای رقبه، در صورت اول برائت جاری می شود زیرا قیدیت دعا هنگام عتق یعنی امر به تقیید عتق به دعا پس شک در قیدیت، به شک در وجوب تقیید بر می گردد و برائت جاری می شود ولی در صورت دوم برائت جاری نمی شود زیرا قیدیت ایمان برای رقبه به دلیل اینکه غیر اختیاری است [مقدور نیست] به معنای امر به تقیید نیست [چون قدرت شرط تکلیف است] در نتیجه شک در قیدیت به شک در وجوب تقیید بر نمی گردد تا برائت جاری شود.

۱۲- با توجه به صحیح زراره: «... و انا فانه علی یقین من وضونه، و لا ینقض الیقین ابدأ بالشک...» مراد از «اسناد نقض یقین به شک»

جواب: است. تبیین نمایند. ص ۲۷۰ - ۱/۵ نمره
جواب: است. در روایت دقت کنیم می بینیم که مراد از نقض یقین به شک در روایت، نقض تکوینی نیست و اگر سوال کننده در روایت بناء را بر حدیث بگذارد باز هم حدیث یقین در بقاء، یقین سابق را نقض نمی کند زیرا یقین متعلق به حدوث است و شک متعلق به بقاء است به همین دلیل اسناد نقض نه شک عرفی است به این صورت که زمان را لحاظ نمی کنیم یعنی حدوث و بقاء را جدا نمی کنیم و یک امر واحد در نظر می گیریم با این لحاظ شک و یقین یک متعلق دارند و می توانند شک را نقض یقین باشند.

۱۳- اشکال در عبارت «ان اللام فی قوله» (لا ینقض الیقین بالشک) کما یمکن ان یکون للجنس یحتمل ان یکون للعهد فلا یکون

للتجمله اطلاق لغیر مورد الشک فی انتفاض الوضوء را تبیین کرده، یک جواب شهید صدر (ره) بر اشکال را بنویسید. ص ۲۷۴ - ۲ نمره

جواب: است. تبیین نمایند. ص ۲۷۴ - ۲ نمره
جواب: است. اشکال کرده اند که روایت فقط استصحاب در باب وضوء را اثبات می کند و عمومیت ندارد. زیرا «ال» در الیقین همانطور که ممکن است برای جنس باشد ممکن است برای عهد یعنی یقین به وضوء باشد در نتیجه عبارت اجمال دارد و اطلاق ندارد. جواب: با توجه به اینکه عبارت «لا ینقض الیقین بالشک» در مقام تعلیل است و تعلیل ظاهراً دارد به اینکه از موارد مناسبات حکم و موضوع است یعنی تعلیل «لا ینقض الیقین بالشک» از مرتکبات عرفی است و از مرتکبات عرفی بود اقتضاء دارد که یقین و شک را حمل کنیم بر طبیعی یقین و شک که وضوء [جواب دیگر در کتاب]

۱۴- استصحاب «حکم متعلق» را به همراه مثالی توضیح دهید. ص ۲۸۸ - ۲ نمره

جواب: اگر شارع انگور را در صورت غلیان حرام کرده باشد و ما انگوری داریم که غلیان نکرده است پس حرام نیست، اگر این انگور قبل از غلیان، به کشمش تبدیل شود، ما شک می کنیم که آیا این کشمش هم بعد از غلیان حرام می شود یا خیر؟ یعنی آیا آن قضیه شرطیه که سابقاً بود (یعنی حرمت انگور در صورت غلیان)، اکنون نیز وجود دارد؟ یعنی آیا کشمش در صورت غلیان حرام می شود، در صورت جریان استصحاب حکم متعلق، کشمش نیز در صورت غلیان حرام می شود.

۱۵- با توجه به افتراضات پنج گانه در «حکم ثانوی در متعارضین» دلیل شهید صدر (ره) بر تساقط را به اختصار تبیین کنید. ص ۳۱۰ و ۳۱۱

جواب: است. تبیین نمایند. ص ۳۱۲ - ۲ نمره

جواب: است. برای هر دو دلیل جعل حجیت کند که مستحبیل است زیرا هر کدام از ادله دیگری را تکذیب می کند، افتراض دوم: شارع برای هر دو دلیل جعل حجیت کند ولی مشروط به عدم التزام به دلیل دیگر، این افتراض نیز غیر معقول است زیرا در صورت عدم التزام به هر دو دلیل، هر دو حجت هستند که محذور سابق پیش می آید افتراض سوم: شارع برای یک طرف معین حجیت را جعل کند. این افتراض نیز مردود است زیرا دلیل و توجیهی بر حجیت یک طرف نداریم. افتراض چهارم: شارع برای یک طرف به نحو تخییری حجیت جعل کرده است، این افتراض نیز مردود است زیرا دلیل حجیت، اثبات وجوب تخییری نمی کند. در نتیجه فقط تساقط که افتراض پنجم است باقی می ماند. [برای چهار افتراض اول هر کدام ۰/۵ نمره]



امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

پایه هفتم و نهم و دوازدهم
فصل دوم ۹۳-۹۲

مهر مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل و زمان
۱	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل و زمان
۲	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل و زمان

۲۹۹۲/۳۲	ردیف
۱۳۹۳/۰۳/۲۴	تاریخ
اصول فقه ۲	موضوع
دروس فی علم الاصول «الحلقه الثانية»	کتاب
از ابتدای اصول علیه تا پایان کتاب (ص ۲۲۱-۲۱۳)	محدوده

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مادر: شماره ملی: شماره ثبت: شماره شناسنامه: شماره کارت ملی:

۱- برای اثبات برائت شرعیه اگر «ما» موصوله در آیه شریفه «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها» (طلاق ۲)، به معنای تکلیف باشد، «ایتاء» به چه معناست؟ ص ۲۱۹

- ☐ الف. إعطاء
- ☒ ب. إيصال
- ☐ ج. إصدار
- ☐ د. إقدار

۲- با توجه به اشکال: «ادله برائت یا محکوم ادله احتیاط هستند یا معارض، پس برائت شرعی اثبات نمی شود.» پاسخ اصلی شهید صدر (ره) چیست؟ ص ۲۳۷

- ☒ الف. ادله احتیاط ناتمام است.
- ☐ ب. ادله برائت مرجح قرآنی دارند.
- ☐ ج. استحباب عدم تکلیف مرجع است.
- ☐ د. ادله برائت محکم ادله احتیاط است.

۳- نظر شهید صدر (ره) پیرامون «جریان اصل برائت شرعی در همه اطراف علم اجمالی» به لحاظ عالم امکان چیست؟ ص ۲۴۸

- ☐ الف. عرفاً و عقلاً استحاله ندارد.
- ☐ ب. عقلاً استحاله دارد.
- ☒ ج. عقلاً امکان ندارد.
- ☐ د. عرفاً امکان دارد.

۴- کدام مورد از ارکان استصحاب نیست؟ ص ۲۷۶

- ☐ الف. شک در بقاء
- ☐ ب. یقین به حدوث
- ☒ ج. شک در یقین سابق
- ☐ د. وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه

۵- کدام گزینه طبق نظر مشهور، نسبت به استصحاب سببی و مسببی صحیح است؟ ص ۲۹۸

- ☐ الف. هر دو جاری می شوند و تعارض می کنند.
- ☒ ب. انهدام رکن دوم مسببی توسط سببی
- ☐ ج. عدم جریان هر یک با جریان دیگری
- ☐ د. مسببی بر سببی حاکم است.

۶- تقدیم «دلیل برائت شرعی بر اشتغال عقلی» و تقدیم «دلیل محرز قطعی بر استصحاب»، به ترتیب از چه نوعی است؟ ص ۳۱۸ و ۳۱۹

- ☐ الف. حکومت - حکومت
- ☐ ب. ورود - حکومت
- ☐ ج. حکومت - ورود
- ☒ د. ورود - ورود

۷- با توجه به عبارت «أن التكليف إنما يكون محرکا للعبد بوجوده العلمی لا بوجوده الواقعی، و علیه فلا مقتضى للتحرك مع عدم العلم. و من الواضح أن العقاب على عدم التحرك مع أنه لا مقتضى للتحرك قبيح» استدلال محقق نائینی (ره) بر قبح عقاب باین بیان به همراه مثالی را تقریب نمایند و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید. ص ۲۱۶ - ۲ نمره

جواب: تقریب: تکلیف در صورتی محرکیت دارد که به آن علم داشته باشیم و اگر نه تکلیف واقعی بدون این که معلوم باشد محرکیتی ندارد، (مانند این که شیری درنده پشت دیوار ایستاده باشد و شما علم به آن نداشته باشید، شما برای فرار تحریک می شوید ولی اگر واقعا شیری نباشد و شما علم داشته باشید پشت دیوار است، یا به فرار می گذارید) بنابر این در صورت عدم علم به تکلیف، مقتضای محرکیت وجود ندارد و قبیح است مولى ما را بر مخالفت تکلیفی که اقتضای تحریک ندارد عقاب کند.

اشکال: آن چه محرکیت دارد، این است که عبد می خواهد حق الطاعة مولى را رعایت کند و از عهده آن خارج شود، همه هدفش خروج از این عهده است نه این که هدفش صرفا امتثال تکلیف با عنوانش باشد، لذا باید حدود این حق الطاعة را ملاحظه کنیم که آیا شامل تکالیف مشکوکه همه می شود یا خیر؟ در صورت شمول تکلیف غیر معلوم هم اقتضای تحریک را دارد، اگر بگویید شامل نمی شود این مصادره و اول کلام است.

۸- تقریب استدلال به روایت «الوقوف عند الشبهة خير من الاقتحام فى الهلكة» بر احتیاط را نوشته و رد شهید صدر (ره) بر آن را تبیین کنید. ص ۲۳۵ - ۲ نمره

جواب: تقریب: روایت دلالت می کند که با ارتکاب شبهه، در هلاکت واقع می شوی، معنای این کلام این است که تکالیف مشکوکه منجر هستند و برای ارتکاب آن ها مؤمنی نداریم. لذا احتیاط واجب است.

رد: این تقریب موقوف بر این است که شبهه به معنای شک باشد در حالی که در لغت به معنای مشابه و شبیه است، اگر به شک شبهه گفته می شود به جهت این است که مشابه منجر به شک می شود، لذا شبهه در روایت قابل حمل بر چیزی است که در ظاهر به حق شباهت دارد، ولی در حقیقت باطل است، [بنابر این روایت ما را از شمارها و گرایش هایی که ظاهری حق گونه دارد، بر حذر می دارد و این ربطی به وظیفه عملی مکلف در هنگام شک ندارد.]

۹- مراد از انحلال علم اجمالی کیفر به علم اجمالی صغیر را در ضمن مثالی توضیح داده و دو شرط لازم آن را بنویسید. ص ۲۵۴ - ۸ - ۲ نمره

جواب: اگر علم اجمالی به وجود دو مایع نجس در میان ده مایع نجس وجود داشته باشد این علم اجمالی ده طرف خواهد داشت و معلوم بالا جمال دو مایع از ده تا است. حال اگر تحقیق شد و علم جدیدی پیدا شد به نجاسة دو مایع در ضمن این پنج مایع که این پنج تا همان بعض اطراف ده مایع است، در اینجا علم اجمالی اول به سبب این علم دوم انحلال پیدا کرد و شک در پنج تایی دیگر شک بدوی خواهد بود، که به آن علم اجمالی منحل شده کبیر می گویند چون ده طرف داشت و به دومی صغیر می گویند چون پنج طرف دارد. شرط اول: اطراف علم اجمالی صغیر باید همان بعض اطراف علم اجمالی کبیر باشد یعنی اطراف صغیر داخل در اطراف کبیر بوده باشد. شرط دوم: عدد معلوم بالا جمال، در کبیر بیشتر از عدد معلوم بالا جمال در علم اجمالی صغیر نباشد یعنی اگر در کبیر دو تا بود در صغیر یکی نباشد.

۱۰- در حالات دوران واجب بین تعیین و تخیر، کدام یک از ارکان منجزیت علم اجمالی مختل است؟ وجه اختلال را بیان نمایید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

جواب: رکن سوم، یعنی هر دو طرف فی نفسه با قطع نظر از تعارض جریان اصل در اطراف، مشمول دلیل برائت باشند.

وجه اختلال: در دوران واجب بین تعیین و تخیر، یکی از عناوین با این که از حیث مفهوم با دیگری متباین است ولی از جهت صدق اوسع است و جامع به شمار می رود. اصل برائت در این طرف که جامع به شمار می رود با قطع نظر از تعارض جریان اصل در اطراف، جاری نیست، زیرا یا مقصود از جریان اصل، تأمین نسبت به ترک جامع است که منجر به مخالفت قطعی می شود یا مقصود تأمین از ناحیه وجوب تخیری است که لغو است، زیرا مکلف می داند اگر جامع کلاً ترک کند ایمن از عقاب نیست؛ لذا اصل در طرفی که از جهت صدق اوسع است جاری نیست.

۱۱- با توجه به عبارت «و كما تختلف هذه القواعد فى أركانها المقومة لها، كذلك فى حیثیات الكشف النوعی المزعومة فیها»، فرق استصحاب با قاعده مقتضى و مانع را از دو جهت ارکان و حیثیت کشف بیان نمایید. ص ۲۶۷ - ۲ نمره

جواب: از جهت ارکان: متعلق شک و یقین در قاعده مقتضى و مانع دو امری است که ذاتاً متباین هستند، یقین به مقتضى تعلق گرفته است و شک به مانع، ولی در استصحاب، یقین و شک به امری تعلق گرفته اند که ذاتاً یک چیز است.

از جهت حیثیت کشف: حیثیت کشف در استصحاب بر این اساس است که غالباً آن چه حادث می شود باقی می ماند؛ ولی حیثیت کشف در قاعده مقتضى و مانع بر این اساس است که غالباً مقتضیات نافذ هستند و در ملول های خود مؤثرند.

۱۲- مراد از «اصل مثبت» را به همراه مثالی بیان کرده، توضیح دهید چرا استصحاب نمی تواند مثبتات خود را اثبات کند؟ ص ۲۸۴ - ۲ نمره

جواب: استصحابی که بخواهد حکمی شرعی که مترتب بر اثر تکوینی مستصحاب است را اثبات کند، اصل مثبت نام دارد. مثل اثبات حکم شرعی که مترتب بر رویش محاسن زید است، بواسطه اثبات رویش محاسن با استصحاب حیات زید. (۵/۰ نمره)

زیرا اگر مرادتان این است که حکم شرعی را مستقیماً بدون تبدل به رویش محاسن زید، با استصحاب حیات او اثبات کنید، غیر ممکن است، چون موضوع حکم شرعی رویش محاسن است نه حیات زید، و مادامی که رویش محاسن تعبداً ثابت نشود حکم شرعی هم ثابت نمی شود و اگر مرادتان است که با استصحاب حیات زید، ابتدا رویش محاسن را اثبات کنید و به تبع حکم شرعی را اثبات کنید، خلاف ظاهر دلیل استصحاب است، چه این که مفاد دلیل استصحاب این است که مشکوکا بقاء را می گوید باقی فرض کن (نازل منزله باقی قرار می دهد)، و عرفاً تنزیل منصرف است به توسعه در دایره اناری که خود منزل جعل کرده است و شامل اناری که تحت جعل او نبوده نمی شود، لذا در مقام ما رویش محاسن از آن جهت که اثر تکوینی حیات است، از دایره مجعولات منزل خارج است و استصحاب از اثبات آن قاصر است. (۵/۱ نمره)

۱۳- چرا در استصحاب کلی نوع سوم، با این که حدوث جامع یقینی و بقاء آن مشکوک است، استصحاب جاری نیست؟ ص ۲۹۱ - ۱ نمره

۱

چون جامع یقینی ما در وجود فردی موجود شده بود که الآن یقین به ارتفاع آن فرد داریم و جامعی که مشکوک ما است، در وجود فردی موجود می شود که به آن فرد شک داریم. پس جامعی که حادث شد وجودی غیر از وجود جامعی که در حال حاضر مشکوک است دارد؛ لذا دو وجود متغایر هستند که استصحاب در آن جاری نیست.

۱۴- سه قول مطرح در مقدار «منجزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معین کنید. ص ۲۴۶ - ۲ نمره

۲

ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح است اول: منجز نماز ظهر است فقط. ثانی: منجز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجز جامع بین ظهر و جمعه است نه بخصوص ظهر و نه بخصوص جمعه. (۱/۵ نمره) قول ثالث قول صحیح است زیرا علم اجمالی از جامع سرایت نمی کند در نتیجه تنجز نیز بیشتر از جامع سرایت نمی کند. (۵/۰ نمره)

۱۵- گاهی متکلم برای تفسیر کلام خود، کلام دیگری ناظر به کلام اولش بیان می کند که به تعبیر شهید صدر (ره) «و النَّظَرُ تَارَةً يَكُونُ بِلِسَانِ التَّصَرُّفِ فِي مَوْضِعِ الْقَضِيَّةِ الَّتِي تَكْفُلُهَا الْكَلَامُ الْآخَرُ، وَ آخِرُ بِلِسَانِ التَّصَرُّفِ فِي مَحْمُولِهَا»، هر یک از این تصرف ها را با مثال توضیح دهید. ص ۳۰۸ - ۲ نمره

۲

جواب: مثال اول: متکلم اول می گوید: «الرَّابَا حَرَامٌ» و بعداً می گوید: «لَا رِبَا بَيْنَ الْوَالِدِ وَ وَلَدِهِ»، مدلول کلام دوم ناظر به مدلول کلام اول است به این شکل که در موضوع حرمت تصرف می کند، یعنی دایره موضوع حرمت که ربا است را ادعاء محدود می کند به غیر ربایی که بین والد و ولد است. به عبارت دیگر متکلم قبول دارد ربای بین والد و ولد ربا است ولی ادعا می کند که ربا بر آن منطبق نیست.

مثال دوم: متکلم می گوید: «لَا ضَرَرَ فِي الْإِسْلَامِ»، یعنی در اسلام حکمی که منجر به ضرر بشود وجود ندارد، مدلول این کلام ناظر به احکامی است که در شریعت ثابت است و حالتی که این احکام ضرری باشند را نفی می کند، یعنی محمول که همان احکام اولیه است را مقید می کند به حالت غیرضرری.

الصلوة بالظهر - الطلوع صلاة

ناظر
جامع
منجز

وجوب نماز ظهر
منجز نماز ظهر
منجز نماز ظهر
منجز نماز ظهر
منجز نماز ظهر

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

بهمن سال اول ۱۳۹۲-۹۳

پایه پنجم ۵ ساله

پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل ثبت نام
نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل ثبت نام
نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل ثبت نام
نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل ثبت نام

کتابخانه	۲۹۲۱/۲۶
تاریخ	۱۳۹۲/۱۰/۲۴
موضوع	اصول فقه ۳
کتاب	الحلقة الثانية (شهاد صدر دره)
مدرس	از ابتدای درس ۲۱ تا پایان کتاب (ص ۲۲۱-۲۱۵)

نام و نام خانوادگی: شهر: استان: مدرسه: پایه: شماره ثبت نام: شماره کارت: شماره پرسنل:

۱- به نظر شهید صدر علیه السلام قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟ ص ۲۱۷ و ۲۳۹

- الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی ☐
- ب. برائت عقلی و برائت شرعی ☐
- ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی ☒
- د. برائت شرعی و احتیاط عقلی ☐

۲- شک در «وجوب نماز آیات به واسطه ی خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۲۴۰

- الف. تکلیف - برائت ☒
- ب. تکلیف - اشتغال ☐
- ج. مکلف به - برائت ☐
- د. مکلف به - اشتغال ☐

۳- در مثال «إذا أتى المكلف بفعل مترسلاً ثم علم إجمالاً بأن الشارع أوجب عليه إما هذا الفعل أو فعل آخر، فعلى الأول يكون التكليف قد سقط بالإتيان بالمكلف به وعلى الثاني يكون ثابتاً، فالتكليف لا يعلم بثبوته فعلاً» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟ ص ۲۵۳ و ۲۵۰

- الف. الركن الأول ☒
- ب. الركن الثاني ☐
- ج. الركن الثالث ☐
- د. الركن الرابع ☐

۴- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب اذا غلى حرم». پس از مدتی انگورها تبدیل به کشمش می شوند و شک می کند که «هذا الزبيب اذا غلى حرم أو لا؟». این مورد، مثال برای کدام استصحاب است؟ ص ۲۸۸

- الف. استصحاب مجهولة التاريخ ☐
- ب. استصحاب کلی قسم سوم ☐
- ج. استصحاب تدریجیات ☐
- د. استصحاب تعلیقی ☒

۵- مثال «إذا كان على يقين من نجاسة ثوب يوم السبت فشك يوم الاحد في نجاسته يوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟ ص ۳۶۷

- الف. اصل برائت ☐
- ب. قاعده یقین ☒
- ج. اصل استصحاب ☐
- د. قاعده مقتضی و مانع ☐

۶- تعارض بین «ادله برائت عقلی» با «ادله خبر واحد» به چه نحو است؟ ص ۳۰۵

- الف. ظاهر و نص ☐
- ب. مورد و وارد ☒
- ج. عام و خاص ☐
- د. محکوم و حاکم ☐

۷- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب بد بیان بالاستشهاد بالاعراف العقلانية و استنباح معاقبة الأمر في المجتمعات العقلانية مأموره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم نائینی رحمه الله و جواب شهید صدر رحمه الله را بنویسید. ص ۲۱۶ س ۸

جواب: استدلال مرحوم نائینی: عرف و عقلاء عقاب عبد را بوسیلهی مولای عرفی به خاطر مخالفت با تکلیف غیر معلوم قبیح می‌شمرند. (و حدود حق اطاعت موالی عرفی را تکالیف قطعی و معلوم می‌دانند فلذا محدوده حق اطاعت شارع هم تکالیف قطعی و معلوم است) بنابراین عقاب شارع همانند موالی عرفیه زمانی صحیح است که تکلیف واصل و معلوم باشد.

جواب شهید صدر رحمه الله: قیاس حق طاعت خدا با حق طاعت موالی عرفیه بدون دلیل است زیرا حق طاعت أمراء و موالی عرفیه، جعلی می‌باشد و به تبع همین جعل، وسعت و ضیق دائره آن معلوم می‌شود که عادتاً در حدود تکالیف مقطوعه جعل می‌گردد، اما حق طاعت خداوند متعال ذاتی تکوینی می‌باشد، فلذا مضیق بودن دائره حق مجبوع، ملازم با مضیق بودن دائره حق ذاتی تکوینی نمی‌باشد بلکه برای تحدید دائره حق خداوند متعال باید به عقل عملی رجوع نمود که مقتضی تمیم است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال آنها را بنویسید. ص ۲۲۴ س ۱۱

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اکرهوا علیه و ما لا یطیقون و ما اضطرروا الیه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما»ی در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختص به شبهه موضوعیه خواهد شد.

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب للمشهور إلى استحالة جریان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية» را توضیح داده، جواب شهید صدر رحمه الله بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۷ و ۲۴۸

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر رحمه الله: باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل نیست ادعای بدون دلیل است.

۱۰- مقصود از عبارت «من ارکان قاعدة منجزية العلم الاجمالي ان يكون كل من الطرفين مشمولاً في نفسه لدلیل اصل البراءة بقطع النظر عن التعارض» را توضیح داده، منائی بزنید که این رکن در آن موجود نباشد. ص ۲۵۲ و ۲۵۵

جواب: یکی از شرایط منجزیت و حجیت علم اجمالی آن است که با قطع نظر از علم اجمالی بتوان در هر یک از دو طرف اصل ترخیصی (برائت) جاری کرد. در چنین مواردی است که می‌گوییم جریان برائت در هر دو طرف امکان ندارد، اما اگر یکی از دو طرف [با قطع نظر از تعارض اصل در دو طرف] اصل برائت را فی حد نفسه نپذیرد، اصل در طرف دیگر معارض ندارد و جاری می‌شود لذا علم اجمالی منجز نیست. مثال: اگر علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف داشته باشیم و یکی از آنها خارج از محل ابتلا باشد، ظرف خارج از محل ابتلا فی نفسه مجرای برائت نیست چون مکلف در معرض مخالفت با آن قرار ندارد تا شک کند و برائت جاری شود. پس برائت در ظرف دوم معارض ندارد.

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲۶۷ س ۱۵

جواب: قاعدهی مقتضی و مانع قاعده‌ای است که می‌گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی مثلاً یقین به وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می‌گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می‌کنیم به وجوب جمعه.

وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دواء مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتفای مانع گذاشته می‌شود و لذا مقتضای موت ثابت می‌شود.

فرق: ۱. در قاعده مقتضی و مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متغایرند تعلق می‌گیرد یعنی یقین به مقتضی و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب متعلق یقین و شک ذاتاً واحد است. ۲. از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «غلبه اینکه مقتضی نافذ و مؤثر در معلول است.» ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی می‌ماند.» است.

۱۲- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰

جواب: قیودی که عرفاً مقوم و منوع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم و منوع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم حکم نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغیر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۳- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. ص ۲۹۰

۲

جواب: حصول کلی در ضمن فرد مشکوک بین قصیر الوجود - که یقین به زوالش داریم - و طویل الوجود - که یقین به زوالش نداریم - مثلاً می‌دانیم که ساعتی قبل، انسان داخل مسجد شد؛ ولی نمی‌دانیم که آیا زید بود یا عمرو؛ از طرف دیگر اکنون زید را در خارج مسجد می‌بینیم، پس یقین داریم که اگر آن کلی (یعنی انسان) در ضمن این فردش (یعنی زید) در مسجد وجود یافته بود هر دو (هم کلی و هم فرد) معدوم شده‌اند ولی اگر کلی در ضمن فرد دیگرش (عمرو) در مسجد وجود یافته بود، بقای هر دو محتمل است. در این صورت، استصحاب کلی جاری می‌شود چون ارکان استصحاب - یعنی یقین به حدوث و شک در بقاء - تام است، ولی استصحاب هیچ‌یک از دو فرد جاری نیست چون ارکان استصحاب تمام نیست - چرا که حدوث عمرو مشکوک است و زوال زید یقینی است.

۲

۱۴- تفاوت «تعارض» و «تزاحم» را به همراه مثال بیان کنید. ص ۳۰۴

جواب: هنگامی که مدلول دو دلیل با هم تنافی داشته باشند و این تنافی، حاصل تضاد بین دو جعل باشد، این تنافی را تعارض گویند اما اگر تنافی در مقام جعل نباشد بلکه در مقام امتنال باشد، این تنافی را تزاحم می‌نامند. تعارض مثل الربا حرام و لا ربا بین الوالد و ولده، تزاحم مثل تنافی «لا تغصب» و «انقذ الغریق» در مقام امتثال که نجات غریق متوقف بر غصب است.

۱

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۱۴ و ۳۱۵

جواب: اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامه است.

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

شماره برگه: ۹۱-۹۲
پایه پنجم ۷ ساله
پایه هفتم ۲ ساله

مهر مدرسه

ردیف:	نام و نام خانوادگی:	تاریخ:	محل امضاء:
شماره نام و نام خانوادگی:	شماره برگه:	شماره برگه:	شماره برگه:
شماره نام و نام خانوادگی:	شماره برگه:	شماره برگه:	شماره برگه:

کتاب:	۲۹۱۳/۰۶
موضوع:	۱۳۹۲/۶/۱۰
موضوع:	اصول فقه ۴
موضوع:	دروس فی علم الاصول (الحلقة الثانية)
موضوع:	از ابتدای درس ۲۱ تا پایان کتاب

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مادر:
شماره برگه: شماره برگه: شماره برگه:
شماره برگه: شماره برگه: شماره برگه:

۱- بنا بر نظر شیخ انصاری رحمته الله علیه اگر مراد از موصول در آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً أَتَنَهَا» (طلاق: ۷) تکلیف باشد، موصول از کدام قسم مفعول است؟

..... / ۵

- ☐ الف. مفعول له
- ☐ ب. مفعول به
- ☒ ج. مفعول مطلق
- ☐ د. مفعول فيه

۲- دلیل قائلین اختصاص حدیث شریف «كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ مِنْهُ بَعَيْنُهُ فَتَدَعَهُ» به شبهات موضوعیه چیست؟

..... / ۵

- ☒ الف. زیرا تقسیم به حلال و حرام، فعلی است.
- ☐ ب. زیرا برائت در شبهات موضوعیه اجماعی است.
- ☐ ج. زیرا شناخت حرام غایت حلیت لحاظ شده است.
- ☐ د. زیرا قدر متیقن، شبهات موضوعیه را شامل می شود.

۳- حکیم در مسأله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟

..... / ۵

- ☐ الف. شک در تکلیف و مجرای اشتغال
- ☐ ب. شک در مکلف به و مجرای برائت
- ☐ ج. شک در مکلف به و مجرای اشتغال
- ☒ د. شک در تکلیف و مجرای برائت

۴- در موارد «علم اجمالی بین محذورین» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟

..... / ۵

- ☐ الف. الركن الأول
- ☐ ب. الركن الثاني
- ☐ ج. الركن الثالث
- ☒ د. الركن الرابع

۵- مثال «إذا كان على يقين من طهارة ثوب يوم السبت فشك يوم الأحد في طهارته يوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟

..... / ۵

- ☐ الف. اصل برائت
- ☒ ب. قاعده یقین
- ☐ ج. اصل استحباب
- ☐ د. قاعده مقتضی و مانع

۶- تعارض بین دو دلیل شرعی لفظی (تنافی بین دو مدلول) در کدام یک از موارد زیر جریان دارد؟

..... / ۵

- ☒ الف. تنافی بین دو جعل باشد.
- ☐ ب. تنافی بین دو امتثال باشد.
- ☐ ج. تنافی بین دو مجعول باشد.
- ☐ د. تنافی بین ملاک دو حکم باشد.

۷- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب بلا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقلانية و استصحاب معاقبة الأمر في المجتمعات العقلانية مأموره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم نائینی رحمته الله علیه و جواب شهید صدر رحمته الله علیه را بنویسید.

..... ۲

نگارگری

Scanned with CamScanner

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

پایه سال اول ۹۲-۹۱
پایه پنجم سال
پایه هفتم ۲ ساله

مهر مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	محل
۱	شماره پانام سنخ اول	نمره بدو	نمره بدو
۲	شماره پانام سنخ دوم	نمره بدو	نمره بدو

کد ملی	۹۱۲۲۱/۱۸
تاریخ	۱۳۹۱/۱۰/۲۷
محل	اصول فقه ۴
کتاب	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)
مدرس	از ابتدای درس ۴۱ تا پایان کتاب (ص ۳۲۹-۲۱۵)

نام و نام خانوادگی: _____ نام پدر: _____ کد ملی: _____ مدرسه: _____ شهر: _____ استان: _____

۱- در استدلال به حدیث رفع، بر براهین شرعی، کدام گزینه با نظر شهید صدر (ره) سازگار نیست؟ ص ۲۲۳ تا ۲۲۵

- الف. آن وحده السیاق تقتضی کون المصادیق من سنخ واحد. ☒ ص ۲۲۴
- ب. الرفع فی الحدیث یكون رفعاً ظاهریاً بمعنی تأمین الشاک. ☐
- ج. الاطلاق یقتضی شمول الحدیث للشبهة الموضوعية والحکمة. ☐
- د. یمكن ان یُراد بـ «ما لا یعلمون» التکلیف المشکوک فی کلنا الشبهتین. ☐

۲- به نظر شهید صدر (ره) جریان اصول مؤتمنه در اطراف «علم اجمالی» ثبوتاً و اثباتاً به ترتیب چه حکمی دارد؟ ص ۲۴۷ و ۲۴۹

- الف. محال عقلاً - محال عقلاً ☐
- ب. ممکن عقلاً - محال عقلاً ☐
- ج. ممکن عقلاً - محال عقلاً ☒
- د. ممکن عقلاً - ممکن عقلاً ☐

۳- اگر علم اجمالی به وجود تکلیف در بین چند امر را به آن امور سرایت نداده و علم را فقط منجز جامع بدانیم؛ آنگاه طبق مسلک «قیح عقاب بلا بیان» و مسلک «حق الطاعة»، حکم عقلی به ترتیب چه خواهد بود؟ ص ۲۴۷

- الف. وجوب موافقت قطعی - وجوب موافقت قطعی ☐
- ب. جواز مخالفت قطعی - وجوب موافقت احتمالی ☐
- ج. جواز مخالفت احتمالی - جواز مخالفت احتمالی ☐
- د. وجوب موافقت احتمالی - وجوب موافقت قطعی ☒

۴- در کدام گزینه، حیثیت کشف بر اساس «غلبه أن الحادث یقی» استوار است؟ ص ۲۴۷

- الف. قاعده یقین ☐
- ب. قاعده تجاوز ☐
- ج. اصل استحباب ☒
- د. قاعده مقتضی و مانع ☐

۵- آیا کلمه «الشک» در روایت زراره (که می فرماید: لا تنقض الیقین بالشک ابدأ) شامل حالت ظن می شود؟ چرا؟ ص ۲۷۷

- الف. نعم؛ بقرینه مورد الروایة و کون السائل ظاناً بالحدث. ☐
- ب. نعم؛ بقرینه قوله «و لكن انقضه بیقین آخر». ☒
- ج. لا؛ لتنوع الظن بالمعتبر و غیر المعتبر. ☐
- د. لا؛ لان الشک لا یشمل الظن وضعاً. ☐

۶- دلیل عدم جریان اصول عملیه هنگام وجود دلیل محرز قطعی چیست؟ ص ۳۱۹

- الف. ورود دلیل محرز بر اصل ☒
- ب. حکومت دلیل محرز بر اصل ☐
- ج. دلیل محرز، تخصصاً خارج است. ☐
- د. چون دلیل محرز اهم است از اصل. ☐

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا...» (انعام: ۱۴۵) بر برائت شرعه را توضیح داده، شهید صدر (ره) چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰ - ۲ نمره

جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محابّه [و مباحثه] با یهود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات برائت و عدم حرمت را «عدم وجدان» و «نیافتن دلیل» بیان می‌کند و این نشان از آن است که «نیافتن دلیل [بر حکم شرعی]» کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات «برائت شرعی» است. جواب: اشکال این است که نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریع نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با «نیافتن مکلف» که احتمال دارد به خاطر این بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحوص و یأس بگوید: «چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است»؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات یا نفی برائت شرعی، بیگانه است.]

۸- اشکال مطرح در عبارت «الاعتراض الاول على أدلة البرائة الشرعية هو أن هذه الأدلة إنما تشمل حالة الشك البدوي لا المقترن بعلم إجمالي، و الفقيه حينما يلحظ شبهات الحكمية ككل يوجد لديه علم إجمالي» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) از این اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲ س ۷ - ۲ نمره

جواب: اشکال شده که ادله برائت در حایب جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً ده تا - در بین مجموع شبهات حکمیه و با وجود این علم اجمالی، در هیچ‌کدام از شبهات حکمیه نمی‌توان برائت شرعی جاری کرد. پاسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن «علم اجمالی»، منحل می‌شود به «علم تفصیلی» به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و «شک بدوی» در مابقی شبهات؛ چرا که علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند [و شک در این مابقی بدوی است] که محل اسرار برائت شرعی است.

۹- برخی از ادله «برائت شرعی»، اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود اقامه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰ - ۲ نمره

جواب: [سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از:] ۱. بعضی از ادله برائت شرعی ثابت می‌کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلیف، در معرض وصول بوده که با فحص به دست می‌آمده است. [مثل آیه «و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً» که برای اثبات برائت شرعی به آن استدلال شده است. گفتیم که «بعث رسول» مثالی است برای بیان حکم. پس «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باشد» غایت است برای عدم عذاب پس هر جا چنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شاک، قبل از فحص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس ناچار از فحص است.] ۲. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمیه. این علم اجمالی با «فحص» منحل می‌شود به «علم تفصیلی» و «شک بدوی» که شک بدوی محل جریان اصل برائت است. پس بدون فحص، محلی برای اجرای اصل برائت نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلّم، در روز قیامت از مکلف می‌پرسند: «چرا عمل نکردی [به تکالیف]؟» جواب می‌دهد: «چون [به تکالیف] علم نداشتم.» سؤال می‌شود که «چرا برای دانستن تلاش نکردی؟». چنین روایاتی قید می‌زند اطلاق [ادعا شده در] دلیل برائت را و ثابت می‌کند که «شک بدون فحص» عذر شرعی [و رافع عقاب] نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تنجیز علم اجمالی» را بیان کرده، اختلال این رکن در «دوران امر بین محذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶ - ۲ نمره

جواب: رکن چهارم برای تنجیز علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونه‌ای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل برائت را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم محقق نمی‌شود: اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن میت کافر، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا «وجوب دفن» است یا «حرمت دفن» مطلب در اینجا دائر بین محذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] برائت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی‌شویم [چون در این مثال، مخالفت قطعیه - همانند موافقت قطعیه - محال است؛ چرا که در مقام عمل، یا دفن صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و یا دفن ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است -].

۱۱- با توجه به عبارت «اذا ثبت ان السورة - مثلاً - جزء في حال التذکر و شککتنا في اطلاق هذه الجزئية للناسي فهل تجرى البرائة عن السورة بالنسبة الى الناسي؟ فقد يقال ان هذه الصورة من حالات الدوران بين الاقل و الاكثر فتجری البرائة عن الزائد. و اعترض على ذلك بان الدوران يفترض وجود امر موجه الى المكلف على اى حال و ليس هذه الصورة من هذا القبيل» ادعا مذکور در «فقد يقال...» و اعترض وارد شده بر آن را را تبیین کنید. ص ۲۶۱ - ۲ نمره

جواب: مدعی در صدد است که «شک در جزئیت سوره در حال نسیان» را از قبیل دوران امر بین اقل و اکثر بداند و برای ناسی، در زاید از متیقن - یعنی در جزئیت سوره - برائت جاری سازد و حکم به عدم وجوب در حال نسیان نماید.

اعترض این است که در دوران بین اقل و اکثر، باید یک امر و یک خطاب متوجه مکلف باشد و سپس شک کنیم که متعلق آن امر آیا [مثلاً] ۹ مورد است یا ۱۰ مورد؛ ولی در محل بحث، [یک خطاب که متعلق آن تکلیف به اکثر و ده جزئی است متوجه مکلف در حال تذکر شده است و دورانی بین اقل و اکثر متصور نیست؛] خطابی نداریم که متوجه ناسی باشد و احتمال دهیم که متعلقش همان اقل و تکلیف ۹ جزئی [و بدون سوره] باشد و در مازادش شک کنیم چون معقول نیست که خطاب و امر، متوجه ناسی [بما هو ناسی] گردد؛ چرا که ناسی [در حین نسیان] ملغف به ناسی بودنش نیست و در نتیجه [تکلیف متوجه ناسیان را شامل خود نمی‌بیند و] از آن امر، منبث نمی‌گردد.

۱۲- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم و متوع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «اکرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مہمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتفای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضيف بودن» را مقوم و متوع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند.

قیودی که عرفاً مقوم حکم نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغير بالنجاسة يتنجس» در این صورت، «تغير» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس مومعود است، اگر این تغییر فیلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۳- حکم استصحاب کلی قسم سوم را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۹۱ - ۲ نمره

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونه‌ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه بخواهیم وجود انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می‌باشد] در این قبیل موارد که استصحاب فرد جاری می‌شود و نه استصحاب کلی (۱ نمره) زیرا فرد اول، شک در بقای وجودش در زمان لاحق نداریم و فرد دوم یقین به وجود شیء در زمان سابق نداریم پس، استصحاب فرد ممکن نیست. اما استصحاب کلی ممکن نیست؛ چرا که رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. توضیح اینکه کلی اول در ضمن فردی محقق شده بود که کلی دوم در ضمن آن فرد محقق نشده بلکه در ضمن فرد جدیدی تحقق یافته است و از آنجا که کلی در ضمن افراد تحقق می‌یابد و تحقیق سوای آنها ندارد؛ آن دو کلی متغایر با یکدیگر هستند. (۱ نمره)

۱۴- برای تعارض بین «استصحاب سببی» و «استصحاب مسببی» یک مثال زده و تعارض بین آنها را تبیین کنید. ص ۲۹۸ - ۱/۵ نمره

جواب: مثلاً ظرف آبی داریم که یقین به طهارت سابقش و شک در نجاست لاحقش داریم. یک لباس هم داریم که یقیناً نجس بوده و پس از شستن آن با این آب مشکوک، شک می‌کنیم که آیا پاک شد یا نه. اگر به هر یک از آب و لباس به طور مستقل بنگریم، دو استصحاب متصور است: ۱. استصحاب طهارت آب (استصحاب سببی) ۲. استصحاب نجاست لباس (استصحاب مسببی) (۱ نمره)

تبیین تعارض: استصحاب سببی، طهارت لباس را به دنبال دارد و استصحاب مسببی، نجاست و عدم طهارت لباس را و این دو حکم متعارض هستند و این تعارض ناشی از تمارض و عدم امکان جمع بین منشأ این دو حکم [یعنی آن دو استصحاب] می‌باشد. (۰/۵ نمره)

ادامه با نسخ سؤالات ۱۳۹۱/۱۰/۲۷ اصول فقه ۲

۱۵- عبارت «حالات التزاحم خارجة عن نطاق التعارض بين الأدلة؛ بل فيها يتقدم الأهم على الأقل أهمية» را در ضمن مثالی برای

تزاحم، توضیح دهید. ص ۳۰۵ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: هنگامی تزاحم محقق می شود که تنافی بین دو امثال باشد نه بین دو جعل [دو مدلول دلیل] که محقق تعارض است؛ مثلاً مکلف می بیند که کسی در حال غرق شدن است و برای نجات او باید از زمین مردم عبور کرده و مرتکب غصب شود. از طرفی تکلیف داریم که «غریق را نجات بده» و از طرف دیگر تکلیف داریم که «غصب نکن» که این دو تکلیف، در مقام امثال با هم تنافی دارند و نمی توان هر دو را امثال کرد. در این قبیل موارد، تنافی بین مدلول ها، ادله شرعی نیست تا تعارض بین ادله رخ داده و مشمول ادله باب تعارض گردد؛ بلکه وظیفه مکلف در مقام امثال این است که مفاد دلیلی را که اهم است بر دلیل مهم، مقدم نماید.

امتحانات عمومی سطح ۲

شماره ۹۱-۹۰

مهر مدرسه

ردیف:	نام و نام خانوادگی:	تاریخ:	وقت:
۱	۱۱۲۰۳/۴۰	۲۰	۹۰ دقیقه
۲	۱۳۹۱/۶/۱۸		
۳	اصول فقه ۴		
۴	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)		
۵	از ابتدای درس ۴۱ تا پایان کتاب		

ردیف:	نام و نام خانوادگی:	تاریخ:	وقت:
۱	۱۱۲۰۳/۴۰	۲۰	۹۰ دقیقه
۲	۱۳۹۱/۶/۱۸		
۳	اصول فقه ۴		
۴	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)		
۵	از ابتدای درس ۴۱ تا پایان کتاب		

نام و نام خانوادگی: نام پدر: که فلکی: در مدرسه: شهرستان: استان:

۱- دلیل قائلین اختصاص حدیث شریف «کل شیء فيه حلال و حرام فهو لک حلال حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» به شبهات موضوعیه چیست؟

۰/۵

- الف. زیرا تقسیم به حلال و حرام، فعلی است. ☐
- ب. زیرا برائت در شبهات موضوعیه اجماعی است. ☐
- ج. زیرا شناخت حرام غایت حلیت لحاظ شده است. ☐
- د. زیرا قدر متیقن، شبهات موضوعیه را شامل می شود. ☐

۲- ادله احتیاط (در صورت تمامیت)، رافع موضوع کدام یک از ادله برائت می باشند؟

۰/۵

- الف. حدیث «ما حجب علمه...» ☐
- ب. آیه شریفه «ما کنا معذبین» ☐
- ج. حدیث «رفع ما لا یعلمون...» ☐
- د. حدیث «کل شیء حلال و حرام...» ☐

۳- حکم در مساله «شخصی شک دارد روزه بگیرد یا نه زیرا شک دارد امروز روز اول ماه رمضان است» از حیث اصولی کدام است؟

۰/۵

- الف. شک در مکلف به و مجرای اشتغال ☐
- ب. شک در مکلف به و مجرای برائت ☐
- ج. شک در تکلیف و مجرای برائت ☐
- د. شک در تکلیف و مجرای اشتغال ☐

۴- هنگام اضطراب مکلف، به «یک طرف از علم اجمالی» کدام یک از ارکان علم اجمالی مختل می شود؟

۰/۵

- الف. رکن اول ☐
- ب. رکن دوم ☐
- ج. رکن سوم ☐
- د. رکن چهارم ☐

۵- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب اذا غلی حرم» پس از مدتی شک می کند انگورها تبدیل به کشمش شده اند، و در نتیجه شک می کند که «هذا الشيء اذا غلی حرم أو لا؟» این مثال مجرای کدام استصحاب است؟

۰/۵

- الف. استصحاب تعلیقی ☐
- ب. استصحاب تدریجات ☐
- ج. استصحاب فرد (نه کلی) ☐
- د. استصحاب کلی قسم سوم ☐

۶- نسبت بین دو حکم «یجب الحج علی المستطیع» و «المدین لیس مستطیعاً» کدام است؟

۰/۵

- الف. تقید ☐
- ب. ورود ☐
- ج. حکومت ☐
- د. تخصیص ☐

	2
--	---

	γ
--	---

	2
--	---

	2
--	---

	2
--	---

	7
--	---

	2
--	---

	Y
--	---

	1
--	---

امتحانات متمرکز عمومی: اصول فقہ ۴ کد: ۱۱۲۰۲/۱۰

امتحانات عمومی سطح ۲

شماره ۹۱-۹۰

مهر مدرسه

ردیف:	نام و نام خانوادگی:	تاریخ:	محل:
شماره یازدهم سطح اول	شماره یازدهم سطح اول	شماره یازدهم سطح اول	شماره یازدهم سطح اول
شماره یازدهم سطح دوم	شماره یازدهم سطح دوم	شماره یازدهم سطح دوم	شماره یازدهم سطح دوم

کلاس:	۱۱۲۰۳/۴۲
ترم:	۱۳۹۱/۴/۱۸
موضوع:	اصول فقه ۴
کتاب:	الموجز فی اصول الفقه
مدرس:	ارشدای بحث الکلام فی الاجماع تا پایان کتاب

نام و نام خانوادگی: نام پدر: که ملکی: درجه علمی: شهرت: استان:

۱- چرا اجماعات منقول در کتب فقهی، غالباً قابل اعتماد نمی باشند؟

- ☐ الف. عدم کشف اجماع از دلیل
- ☐ ب. عدم حجیت اجماع منقول
- ☐ ج. وثاقت نداشتن ناقلان اجماع
- ☐ د. وجود تساهل در نقل اجماع

۲- کدام گزینه بیانگر ترتیب صحیح ادله در مقام استنباط می باشد؟

- ☐ الف. دلیل فقهاتی - اصل عملی
- ☐ ب. امارات معتبره - دلیل فقهاتی
- ☐ ج. ظنون معتبره - دلیل اجتهدی
- ☐ د. دلیل فقهاتی - دلیل اجتهدی

۳- به نظر مصنف کدام گزینه در مورد «حدیث رفع» صحیح است؟

- ☐ الف. اختصاص به شبهات حکمیه دارد.
- ☐ ب. اختصاص به شبهات مفهومیه دارد.
- ☐ ج. شامل شبهات حکمیه و موضوعیه می شود.
- ☐ د. شامل شبهات حکمیه و موضوعیه نمی شود.

۴- در مورد «شبهه موضوعیه تحریمیه لأجل خلط الأمور الخارجیه» نظر اصولیون و اخباریون به ترتیب چیست؟

- ☐ الف. احتیاط - احتیاط
- ☐ ب. برائت - برائت
- ☐ ج. برائت - احتیاط
- ☐ د. احتیاط - برائت

۵- آیا در مورد «من تیقن الحدث ثم غفل و صلى ثم التفت بعدها و شك فی طهارته من الحدث السابق» استصحاب جاری می شود؟

- ☐ الف. لا یجری، لعدم کفایة الشک التقدری.
- ☐ ب. یجری، لكون الطهارة مشکوكة بالفعل.
- ☐ ج. لا یجری، لوحدة متعلق یقین و الشک.
- ☐ د. یجری، للیقین السابق و الشک الحادث.

۶- به نظر مصنف کدام گزینه از «مرجحات اخبار» در باب تعرض است؟

- ☐ الف. صفات راوی
- ☐ ب. شهرت عملیه
- ☐ ج. شهرت فتوائیه
- ☐ د. مخالفت عامه

۷- با توجه به عبارت «لأن المخبر ينقل رأي المعصوم عن حدس لا حس»، دلیل عدم حجیت اجماع منقول به طور مطلق، را تبیین کنید.

 ۲

۸- دلالت آیه شریفه «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولاً» (اسراء/ ۱۵) بر براءت در «شبهات حکمیه تحریمه لأجل فقدان النص» را تبیین نمایید.

 ۲

۹- تعارض دو قاعده «قیح عقاب بلا بیان» و «وجوب دفع ضرر محتمل» در شبهه بدویه چگونه برطرف می شود؟

 ۲

۱۰- استدلال اخباری ها به عقل، بر لزوم احتیاط در شک در تکلیف «شبهه تحریمیه» را بیان نمایید.

 ۲

۱۱- «قاعده اولیه» در «شبهات محصوره تحریمیه» را با ذکر دلیل کاملاً تبیین نمایید.

 ۲

۱۲- دلالت حدیث «من كان على يقين ثم شك فليعض على يقينه» بر حجیت استصحاب را همراه با ذکر مثال تبیین نمایید.

 ۲

۱۳- وجه تقدّم استصحاب بر براءت عقلی و تخییر را تبیین کنید.

 ۲

۱۴- چرا قاعده اولیه در تعارض اخبار، سقوط متعارضین از حجیت است؟

 ۱

۱۵- دلیل قائلین به وجوب اقتصار بر «مرجحات مشهوره» را تبیین نمایید.

 ۲

«سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۲۱۴۴۲۱ اداره سنجش معاونت آموزشی آماده دریافت شهادتات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»

امتحانات عمومی سطح ۲

نیم سال دوم ۹۱-۹۰

نمره مدرسه

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ	نمره	مجموع	میانگین
۱	شماره نام و نام خانوادگی	نمره	۲۰	مجموع	میانگین
۲	شماره نام و نام خانوادگی	نمره	۲۰	مجموع	میانگین

کتابخانه	۱۱۲۰۲/۲۳
تاریخ	۹۱/۳/۲۷
موضوع	اصول فقه ۴
کتاب	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)
مدرس	از ابتدای کتاب درس ۲۱ تا پایان کتاب

نام و نام خانوادگی: نام پدر: که طایفه: درجه علمی: شهرت: استان:

۰/۵

۱- شهید صدر (ره) مرجع فهم قاعده اولی در «تکالیف مشکوک» را چه می‌داند؟

- ☐ الف. عقل عملی
- ☐ ب. سیره عقلاء
- ☐ ج. دلیل شرعی
- ☐ د. نکته مرکوز در سیره

۲- در دو مورد «خروج یکی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء» و «شبهه غیر محصوره» به ترتیب کدام یک از ارکان علم اجمالی

۰/۵

مختل می‌شود؟

- ☐ الف. رکن سوم - رکن دوم
- ☐ ب. رکن دوم - رکن سوم
- ☐ ج. رکن چهارم - رکن سوم
- ☒ د. رکن سوم - رکن چهارم

۰/۵

۳- ادله احتیاط (در صورت تمامیت)، رافع موضوع کدام یک از ادله برائت می‌باشند؟

- ☒ الف. آیه شریفه «ما کنا معذبین»
- ☐ ب. حدیث «ما حجب علمه...»
- ☐ ج. حدیث «رفع ما لا یعلمون...»
- ☐ د. حدیث «کل شیء حلال و حرام...»

۴- در مثال «اذا کان علی یقین من عدالة زید يوم الخميس ۱. فشک يوم الجمعة فی عدالته يوم الخميس ۲. فشک فی طرؤ الفسق

۰/۵

يوم الجمعة» هر یک از جمله‌ها به ترتیب مجرای کدام قاعده است؟

- ☐ الف. استصحاب - قاعده یقین
- ☐ ب. قاعده مقتضی و مانع - استصحاب
- ☐ ج. قاعده یقین - قاعده مقتضی و مانع
- ☐ د. قاعده مقتضی و مانع - قاعده یقین

۰/۵

۵- دلیل مقدم شدن استصحاب بر برائت در هنگام تعارض بین این دو اصل چیست؟

- ☒ الف. ورود
- ☐ ب. حکومت
- ☐ ج. تخصص
- ☐ د. اماره بودن استصحاب

۰/۵

۶- کدام گزینه مصداق «ما خالف کتاب الله فردوه» در بحث مرجحات است؟

- ☐ الف. مطلق و مقید
- ☐ ب. تعارض مستقر
- ☐ ج. تعارض بین دو عام مساوی
- ☐ د. تعارض بین دو خاص مساوی

۷- شهید صدر (ره) رفع در حدیث «رفع ما لایعلمون» را رفع ظاهری می‌داند، زیرا محال است قید «علم به حکم» در موضوع حکم اخذ شود، چه اشکالی به دلیل ایشان مطرح نموده‌اند و جواب شهید صدر (ره) از آن چیست؟

۲

۸- اعتراض محقق نائینی (ره) بر «اجراء استصحاب» برای اثبات برانت را بیان کرده، دو اشکال شهید صدر (ره) بر ایشان را تقریر نمایند.

۲

۹- دلیل مشهور در عبوت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعية». را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید.

۲

۱۰- نظر شهید صدر (ره) درباره «حالت تردد اجزاء واجب بین اقل و اکثر» را به همراه نقد نظر مخالفین، تبیین کنید.

۳

۱۱- ارکان «استصحاب» را نوشته، بیان کنید مراد از اصل مثبت در مبحث «استصحاب» چیست؟

۲

۱۲- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید.

۲

۱۳- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید.

۲

۱۴- فرق «تعارض» و «تزامم» را به همراه مثال بیان کنید.

۲

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید.

۱

«سامانه پیام کوتاه ۰۲۱۴۴۲۱ اداره سنجش معارف آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»
«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»

امتحانات عمومی سطح ۲

پایه سال اول ۹۱-۹۰

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی:	شماره:	نام استاد:
کلاس:	نمره:	نمره:
موضوع:	نمره:	نمره:

کلاس:	۲۳۰
تاریخ:	۹۰/۱۱/۱۲
موضوع:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول (حلقه ثانیه)
صفحه:	از ابتدای درس ۲۱ تا پایان کتاب (ص ۲۲۱-۲۱۵)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: درس: شماره: نام استاد:

- ۱- به نظر شهید صدر (قدس سره) قاعده عملیه اولیه در حالت شک در تکلیف چیست؟ ص ۲۱۵ و ۲۱۶ س ۱۷ و ۴
- الف. براءت عقلی ☐ ب. براءت شرعی ☐ ج. اصالة شغل الذمه شرعی ☐ د. اصالة شغل الذمه عقلی ☒

- ۲- کلمه «العباد» در «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» به چه نحوه ای لحاظ شود اثبات براءت شرعی می کند؟ ص ۲۲۸ س ۵
- الف. عموم بدلی ☐ ب. عموم استغراقی ☒ ج. عموم مجموعی ☐ د. إطلاق احوالی ☐

- ۳- کدام یک از موارد زیر براءت شرعی را ملغی می کند؟ ص ۲۳۹ و ۲۴۰ س ۹ و ۱۴ و ص ۲۴۳
- الف. اجرای براءت در مستحبات فایده ندارد ☐ ب. براءت شرعی قاعده عملیه ثانویه است ☐ ج. براءت شرعی بعد از فحص از أدله جاری می شود ☐ د. براءت شرعی در شک در مکلف به جاری می شود ☒

- ۴- به نظر شهید صدر (قدس سره) علم اجمالی، منجز چیست؟ ص ۲۴۶ و ۲۴۷ س ۱ و ۵
- الف. فقط منجز جامع است ☒ ب. منجز خصوص آن طرفی است که واجب واقعی می باشد ☐ ج. منجز تمام اطراف علم اجمالی می باشد ☐ د. منجز هم جامع و هم اطراف علم اجمالی است ☐

- ۵- چرا به نظر شهید صدر (قدس سره) شک بین أقل و اکثر از حالات علم اجمالی نمی باشد؟ ص ۲۵۹ س ۲ و ۳
- الف. چون دو طرف علم اجمالی باید متداخل باشند ☐ ب. چون علم اجمالی در این مورد منحل می شود ☐ ج. چون علم به جامع بین دو فرد متباین وجود ندارد ☒ د. چون امکان ترخیص شارع در جامع وجود دارد ☐

- ۶- نسبت دلیل «لا ربا بین الوالد و ولده» به دلیل «ألربا حرام» چیست؟ ص ۳۰۸ س ۹
- الف. مخصص ☐ ب. حاکم ☒ ج. مقید ☐ د. وارد ☐

- ۷- تقریب استدلال به آیه شریفه «... لا یکلف الله نفساً إلّا ما آتاه...» برای اثبات براءت شرعی را بیان نمایند. ص ۲۱۸ س ۱۴

جواب:

یا مراد از اسم موصول در آیه یعنی کلمه «ما» مال است و یا فعل است و یا تکلیف و یا جامع بین هر سه (که اگر مال و یا فعل مراد باشد ربطی به بحث ما که شک در تکلیف است نخواهد داشت) اگر چه در این آیه احتمال اول که مال باشد قدر متیقن است چون سخن آیه با توجه به صدر آن که امر به اتفاق می کند مناسب همین احتمال است ولی این دلیل نمی شود که اکتفاء به قدر متیقن شود چون قدر متیقن باعث عدم امکان تمسک به إطلاق نمی شود و لذا با تمسک به إطلاق «... إلّا ما آتاه» احتمال اخیر که جامع باشد ثابت می شود پس طبق این آیه تکلیفی که به مکلف واصل نشده باشد مسئولیتی در برابر آن ندارد و این همان براءت شرعی است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال

۲

آنها با جواب شهید صدر (قدس سره) از آن را بیان کنید. ص ۲۲۴ س ۱۱

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اگر هوا علیه و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما» ی در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می شود و لذا مختص به شبهه موضوعیه خواهد شد. جواب: وحدت سیاق فقط اقتضاء می کند که لفظ تکرار شده در سیاق واحد در مدلول واحدی استعمال شده باشد یعنی اراده استعمالیه از آن یکی باشد نه اینکه مصادیق واحدی هم اراده شود، و در اینجا هم اسم موصول در همه فقرات به معنای واحد و عام مبهمی که «شیء» باشد استعمال شده و لذا وحدت سیاق محفوظ است و اگر مراد جدی از این «شیء» در بعضی فقرات مصداقی غیر مصداق در بعضی دیگر باشد، وحدت سیاق ضربه نمی بیند مثلاً در آن سه مورد با توجه به صفاتی مثل «اگر هوا علیه» برای «ما» آمده موضوع خارجی مراد باشد و از «ما» ی در «ما لا یعلمون» مصداق دیگری مراد جدی باشد وحدت سیاق محفوظ است.

۹- عبارت «الإعتراض الاول علی أدلة البرائة الشرعیة هو أن هذه الأدلة انما تشمل حالة الشک البدوی لا المقترن بعلم إجمالی، و الفقیه حینما یلاحظ الشبهات الحکمیه ککل یوجد لدیه علم إجمالی.» را شرح داده و جواب شهید (قدس سره) از اشکال در عبارت را بنویسید. ص ۲۳۲ س ۷ *دواعتراض اصلی بر ادله برائت توسط اخبار*

۲

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می شود و شامل جایی می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیه شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیه نظر می کند مثلاً اگر صد تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آنها وجود دارد که مثلاً کمتر از پنج تا نیست، و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچکدام از این شبهات حکمیه که هر یک از آنها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند. جواب: بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالا اجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۱۰- مراد از انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر را به همراه مثال توضیح داده و دو شرط لازم آن را بنویسید. ص ۲۵۴ س ۸

۲

جواب:

اگر علم اجمالی به وجود دو مایع نجس در میان ده مایع نجس وجود داشته باشد این علم اجمالی ده طرف خواهد داشت و معلوم بالا اجمال دو مایع از ده ناست. حال اگر تحقیق شد و علم جدیدی پیدا شد به نجاسة دو مایع در ضمن این پنج مایع که این پنج تا همان بعضی اطراف ده مایع است، در اینجا علم اجمالی اول به سبب این علم دوم انحلال پیدا کرد و شک در پنج تایی دیگر شک بدوی خواهد بود که به آن علم اجمالی منحل شده کبیر می گویند چون ده طرف داشت و به دومی صغیر می گویند چون پنج طرف دارد. شرط اول: اطراف علم اجمالی باید همان بعضی اطراف علم اجمالی کبیر باشد یعنی اطراف صغیر داخل در اطراف کبیر بوده باشد. شرط دوم: عدد معلوم بالا اجمال در کبیر بیشتر از عدد معلوم بالا اجمال در علم اجمالی صغیر نباشد یعنی اگر در کبیر دو تا بود در صغیر یکی نباشد.

۲

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲۶۷ س ۱۵

جواب: قاعده مقتضی و مانع قاعده‌ای است که می گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی مثلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می کنیم به وجوب جمعه. وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سیم کرده باشیم و بعد شک در وجوب مانعی مثل شرب دواء مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتفای مانع گذاشته می شود و لذا مقتضا یعنی موت ثابت می شود.

فرق: ۱) در قاعده مقتضی مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متغایرند تعلق می گیرد یعنی یقین به مقتضی و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب متعلق یقین و شک ذاتاً واحد است. ۲) از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «غلبه اینکه مقتضی نافذ و مؤثر در معلول است» ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی می ماند» است.

امتحانات عمومی سطح ۲

نیم سال اول ۹۰-۹۱

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی	شماره برگه	تاریخ
نام و نام خانوادگی	شماره برگه	تاریخ

کتاب:	الموجز فی اصول الفقه
موضوع:	اصول فقه ۴
تاریخ:	۹۰/۱۱/۱۲
کلاس:	۲۳۱

نام و نام خانوادگی: نام مدرسه: شهرتاریخ: نام استاد:

۱/۵

۱- چرا اجماعات منقول در کتب فقهی، غالباً قابل اعتماد نیست؟ ص ۱۷۴ (امتحانات عمومی نیمسال دوم ۹۰-۸۹)

- الف. لعدم الملازمة بين الاجماع وقول المعصوم (ع). ☐
- ب. لعدم كاشفة الاجماع عن دليل معتبر. ☐
- ج. لوجود الساهل فی نقل الإجماع. ☒
- د. لعدم وثاقة ناقل الاجماع غالباً. ☐

۲- جریان استحباب در مورد «من تیقن الحدث ثم غفل و صلى ثم التفت بعدها و شك فی طهارته من الحدث السابق» چه حکمی

۱/۵

دارد؟ ص ۲۱۳

- الف. لا یجری استحباب الحدث لعدم فعلية الشك و الصلاة صحيحة. ☒
- ب. لا یجری استحباب الحدث لفعلية الشك و الصلاة صحيحة. ☐
- ج. یجری استحباب الحدث لكونه مشکوكاً و الصلاة باطلة. ☐
- د. یجری استحباب الحدث السابق لفعله عنه و الصلاة باطلة. ☐

۱/۵

۳- مثال «إذا تردد الدين بين الدينارين والدينارين» از مضاديق کدام شبهه است؟ ص ۲۰۳ (امتحانات نیمسال دوم ۹۰-۸۹)

- الف. دوران بین متباينين ☐
- ب. دوران بین اقل و اكثر استقلالي ☒
- ج. دوران بین اقل و اكثر ارتباطي ☐
- د. دوران بین متباينين استقلالي ☐

۱/۵

۴- از نظر مصنف حديث: «دع ما يريبك الى ما لا يريبك» ناظر بر کدام مطلب است؟ ص ۱۸۹ (امتحانات سال ۸۹)

- الف. وجوب احتياط در شبهه محصوره فقط ☐
- ب. استحباب احتياط در شبهه موضوعيه فقط ☐
- ج. وجوب احتياط در شبهات تحريميه فقط ☐
- د. استحباب احتياط در مطلق شبهات ☒

۱/۵

۵- از «مرجحات خبریه» در باب تعارض بنابر نظر مصنف می باشد؟ ص ۲۳ (امتحانات سال ۸۹)

- الف. ترجیح به صفات راوی ☐
- ب. ترجیح به مخالفت عامه ☒
- ج. ترجیح به شهرت عملیه ☐
- د. ترجیح به شهرت فتوائیه ☐

۶- در مورد «شبهه حکمیه تحريمیه لأجل فقدان النص» به ترتیب نظر اصوليون و اخباريون کدام است؟ ص ۱۸۱ (امتحانات عمومی

۱/۵

شهریور ۹۰-۸۹)

- الف. برائت - احتياط ☒
- ب. احتياط - احتياط ☐
- ج. احتياط - برائت ☐
- د. برائت - برائت ☐

۲

۷- دليل حجيت «اجماع محصل» را تقرير نماييد. ص ۱۷۲ (امتحانات عمومی نیمسال اول ۹۰-۸۹)

جواب: (۱) از آنجا که روش فقهاء، افتاء بر اساس نصوص و سایر ادله قطعی است، نه قیاس و ادله ظنی، لذا هر فقهی که فتوایی دهد و مستند آن برای ما معلوم نباشد، احتمال وجود مستند معتبر را در ذهن ما ایجاد می کند و اگر فقیه دیگری نیز چنین فتوایی دهد، این احتمال قوی تر می شود و با تکیه آراء در حد اجماع و اتفاق فقهاء، اطمینان حاصل می کنیم که حتماً مستند قطعی وجود داشته و آنان خطا نکرده اند. لذا اجماع فقهای امامیه حجیت دارد.

(۲) تقریب دیگر: با توجه به اینکه فقهاء در اکثر مسائل اختلافات زیادی دارند، اتفاق آنان بر یک مطلب به ما می فهماند که این اتفاق مستند به دليل قطعی بوده است که به ما نرسیده است، نه اینکه از پیش خود نظر داده باشند. (یک تقرير کافی است.)

۸- تعارض دو قاعده «قیح عقاب بلا بیان» و «وجوب دفع ضرر محتمل» در شبهه بدویه چگونه برطرف می‌شود؟ ص ۱۸۵ و ۱۸۶ (امتحانات)

۲

عمومی نیمسال دوم ۹۰-۸۹

جواب: در شبهات بدویه، احتمال عقاب، منتفی است؛ و لذا موضوع (ضرر) قاعده دوم یعنی احتمال ضرر (احتمال عقاب) ثابت نیست تا وجوب دفع داشته باشد. (۱ نمره) [احتمال عقاب چهار منشأ دارد که همگی منتفی است (۱) بیان شارع و وصول به عید. (۲) تمسک به برائت قبل فحوص. (۳) عقاب بلا بیان غیر قیح باشد. (۴) مولی غیر حکیم یا غیر عادل باشد. (۵) نمره]

۹- آیا حدیث رفع، هرگونه اثری را که مترتب بر مجهول باشد بر می‌دارد؟ توضیح دهید. ص ۱۸۳ (امتحانات سال ۸۹)

۲

جواب: خیر، بلکه حدیث رفع، آناری را بر می‌دارد که در رفع آنها، منت برائت وجود دارد. پس هر موردی که رفعش، برای امت، منت نیست، بوسیله حدیث رفع برداشته نمی‌شود. کما (لا تلغ مال الغیر عن جهل و نسیان فهو ضامن). [و همچنین مواردی را که دلیل بر عدم رفع آنها داریم رفع نمی‌شود.]

۱۰- شبهه «کثیر در کثیر» را توضیح داده و آیا علم اجمالی در اینجا منجز است؟ ص ۲۰۱ (امتحانات سال ۸۹)

۱/۵

جواب: شبهه کثیر در کثیر آن است که: مشکوک در شبهه غیر محصوره مردد بین افراد زیادی باشد که نسبت مجموع آنها به اطراف شبهه مانند نیست در امور محصوره باشد مانند آن که علم پیدا کنیم به وجود ۱۰۰۰ گوسفند حرام در ضمن ۱۰۰۰ گوسفند که در اینجا نیست ۱۰۰ به ۱۰۰۰ همان ۱ به ۱۰ می‌باشد. در اینجا علم اجمالی منجز است و با آن معامله شبهه محصوره می‌شود.

۱۱- «اصل مثبت» را تعریف نموده و دلیل عدم حجیت آن را بنویسید. ص ۲۱۵ (امتحانات سال ۸۹)

۲

جواب: اصل مثبت عبارت است از: جاری کردن اصل برای اثبات اثر عقلی یا عرفی. دلیل عدم حجیت اصل مثبت: زیرا دلیل حجیت تنها در مورد آثار شرعی بحت است اما آثار عقلی یا عرفی از جمله آثار شرعی که شارع ما را متعبد به بقای آن کرده نمی‌باشد. (لان الآثار العقلیه و ان كانت اثرا لنفس الشئ و لكنها لیس آناراً شرعیه بل آثار تکوینیه غیر خاضعة للجعل و الاعتبار).

۱۲- تخییر استمراری و تخییر ابتدایی در «دوران بین مخدورین در شبهه موضوعیه» را با مثال توضیح دهید. ص ۱۹۶ - ۲ نمره

۲

(امتحانات عمومی شهریور ۹۰-۸۹)

جواب: اگر مکلف بتواند هر بار به یکی از وجوب و حرمت عمل کند، مثلاً بار اول به دلیل وجوب اخذ کند و بار دوم به دلیل حرمت اخذ کند (مانند دوران بین وجوب و حرمت اکرام زید در تمام روزهای یک ماه) در این صورت تخییر استمراری است ولی اگر مکلف موظف باشد تا آخر به همان انتخاب اولش عمل کند تخییر ابتدایی خواهد بود مثلاً بار اول هر کدام از وجوب و حرمت را که انتخاب کرد، در دفعات بعد هم ملزم باشد به همان عمل کند. (رساندن مفهوم با هر مثالی کافی است).

۱۳- چگونه می‌توان بین دو آیه شریفه «کتب علیکم الصیام» و «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» جمع عرفی نمود؟ ص ۲۲۳ س ۲۰

۱/۵

(امتحانات نیمسال اول ۹۰-۸۹)

جواب: آیه اول ناظر به عناوین اولیه است و اینکه صوم فی حد نفسه وجوب دارد اما آیه دوم ناظر به عناوین ثانویه است. بنابراین دلیل دوم وجوب صوم را تضییق می‌کند و لذا حاکم بر آن و مقدم بر آن است.

۱۴- مرجح «موافقت با کتاب و طرح مخالف» را توضیح داده، معین نمایید مراد از مخالفت در اینجا کدام یک از اقسام مخالفت

۲

است؟ ص ۲۳۲ و ۲۳۳ (امتحانات نیمسال اول ۹۰-۸۹)

جواب: اگر دو روایت معارض با یکدیگر باشند ولی یکی از آنها با قرآن موافق و دیگری مخالف باشد، روایت موافق بر دیگری مقدم می‌شود. مراد از مخالفت در اینجا: مخالفت به نحو تباین یا تناقض نیست، بلکه به نحو عموم و خصوص (یا مطلق و مقید) است، یعنی در قرآن عام یا (مطلق) باشد و یک روایت آن را تخصیص زده (یا مقید کرده) باشد و دیگری با مخصص، معارض باشد که در اینجا حکم به تقدیم روایتی می‌شود که با عموم و اطلاق قرآن موافق است.

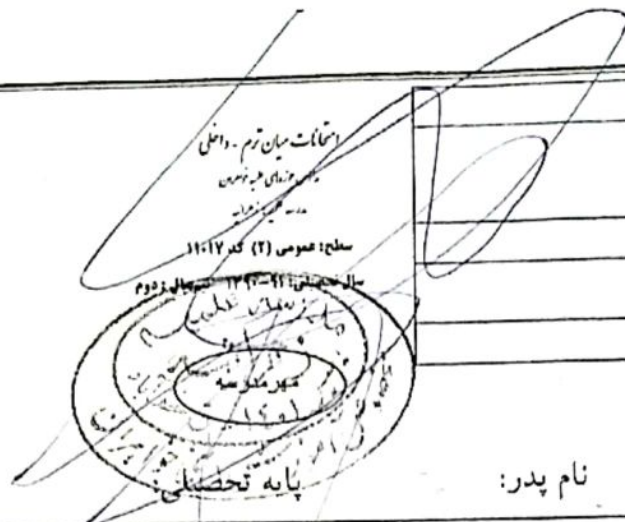
۱۵- تعارض میان دو دلیل بنحو عام و خاص من وجه را در قالب مثال تشریح کرده و حکم آن را از نظر مصنف بیان کنید. ص ۲۳۷

۲

(امتحانات سال ۸۹)

جواب: در مثل «أكرم العلماء» و «لا تکرهم الفساق» در «عالم فاسق» که ماده اجتماع است تعارض دارند اولی می‌گوید اکرامش واجب است و دومی می‌گوید حرام است. حکم آن بنا بر نظر مصنف این است باید سراغ روایات ترجیح برویم هر کدام مرجحی داشت ماده اجتماع را به آن می‌دهیم.

اصول فقه ۴	نام خانوادگی:
الموجز فی اصول الفقه	نام پدر:
کتابت	
امضاء	
از ابتدای بحث «الکلام فی الاجماع» تا پایان	



کتابخانه	کتاب
اصفهان	اصفهان
نجف آباد	نجف آباد
کرج	کرج
تهران	تهران
ایران	ایران

- ۱- چرا اجماعات منقول در کتب فقهی، غالباً قابل اعتماد نیست؟
- الف: لعدم الملازمه بین الاجماع وقول المعصوم (ع) ☐
- ب: لعدم کاشفیه الاجماع عن دلیل معتبر ☐
- ج: لوجود التساهل فی نقل الاجماع ☐
- د: لعدم وثاقه ناقل الاجماع غالباً ☐

- ۲- در مورد «شبهه حکمیة تحریمیة لاجل فقدان نص» به ترتیب نظر اصولیون و اخباریون کدام است؟
- الف: براءت - احتیاط ☐ ب: احتیاط - احتیاط ☐ ج: احتیاط - براءت ☐ د: براءت - براءت ☐

- ۳- مقتضای قاعده اولیه در «شبهه محصوره» چیست دلیل آن کدام است.
- الف: حرمت مخالفت قطعیة و احتمالیة، دلیل آن وجود مقتضی وعدم مانع ☐
- ب: حرمت مخالفت قطعیة فقط، دلیل آن وجود مقتضی ☐
- ج: جواز مخالفت احتمالیة فقط، دلیل آن عدم مانع ☐
- د: حرمت مخالفت احتمالیة، دلیل آن اشتغال یقینی، مقتضی براءت یقینی است. ☐

- ۴- در تعارض مستقر بین دو خبر، قاعده اولیه کدام است؟
- الف: تخییر ☐ ب: تساقط ☒ ج: وجوع به اصل عملی ☐ د: توقف ☐

۵- اجماع محصل چگونه کاشف از دلیل معتبر است؟

۶- آیا حدیث رفع، هر گونه اثری را که مترتب بر مجهول باشد بر می دارد؟ توضیح دهید.

۷- شبهه «کثیر در کثیر» را توضیح داده و آیا علم اجمالی در اینجا منجز است؟

۸- دلالت حدیث «من كان علی یقین ثم شک فلیمض علی یقینه» بر قاعده الیقین رایان کنید؟

۹- اصل مثبت را تعریف کرده و دلیل عدم حجیت آن را بنویسید.

۱۰- در صورت ورود دو خبر متعارض متکافی، آیا تخییر بدوی است یا استمراری؟ چرا؟

۱۱- حکومت را تعریف کنید و سپس در «اذا قمتم الی الصلاه فاغسلوا وجوهکم» و «الطواف صلاه» تطبیق نمایید.

۱۲- مرجع «موافقت با کتاب و طرح مخالف» را توضیح داده، معین نمایید مراد از مخالفت در اینجا کدام یک از اقسام مخالفت است؟

۱۳- حکم استصحاب کلی قسم دوم و قسم سوم را از جهت استصحاب فردی استصحاب کلی بنویسید.

۷- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جريان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ه) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۲ - ۲ نمره

۲

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازماً اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ه): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۸- مثالی برای علم اجمالی دائر بین «تعیین و تخیر» نوشتید، اختلال کدام رکن موجب عدم تنجز تعیین می گردد؟ ص ۲۵۱ - ۱ نمره

۱

جواب: علم ما به وجوب مردد است بین اکرام زید هر طور که باشد یا اکرام زید بوسیله اهداء کتاب (۵/۰ - نمره) اختلال رکن ثالث (۵/۰ - نمره)

۲

۹- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» ۱ به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

جواب: قیودی که عرفاً مقوم موضوع هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «لرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتقای قید، عرف حکم می کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم موضوع می داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می نامند. قیودی که عرفاً مقوم موضوع نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المتغیر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تغیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغییر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می نامند.

۲

۱۰- حکم استصحاب «کلی قسم سوم» را در ضمن مثالی بیان کرده، دلیل حکم را تبیین کنید. ص ۲۷۰ - ۲ نمره

جواب: اگر یقین داشته باشیم که زید وارد مسجد شده و پس از مدتی خارج گردیده است ولی شک کنیم که همزمان با خروج زید و یا قبل از خروجش آیا خالد داخل مسجد گردیده به گونه ای که مسجد خالی از انسان نمانده باشد یا نه. چنانچه، بخواهیم طبیعی انسان را در مسجد استصحاب کنیم این مورد از مصادیق استصحاب کلی قسم سوم خواهد بود [که انعدام فرد اول یقینی و وجود فرد ثانی مشکوک می باشد]. در این قبیل موارد، استصحاب جاری نمی شود (۱ نمره) زیرا رکن سوم استصحاب مختل است و وجود کلی که حدوثش در زمان اول قطعی و یقینی بود [حصه طبیعی ضمن فرد اول] با وجود کلی که بقائش در زمان ثانی مشکوک است [حصه طبیعی ضمن فرد دوم] فرق دارد و متعلق یقین و شک متحد نیستند. (۱ نمره)

۲

۱۱- مراد از قاعده «جمع عرفی» چیست؟ مدرک آن از نگاه شهید صدر (ه) چه امری است؟ ص ۲۸۱ - ۲ نمره

جواب: چنانچه تعارض بین دو دلیل در نظر عرف مستقر نباشد، به این صورت که یکی از دو دلیل قرینه باشد برای تفسیر آنچه از دیگری اراده شده است، لازم است با توجه به قرینه ای که متکلم برای بیان مقصود خود در دلیل دوم آورده است، در دلیل اول تصرف کنیم. مدرک اگر از متکلم دو کلام صادر شود که ظاهر هر یک با دیگری در تنافی باشد، و یکی از آن ها در مقام تفسیر دیگری آورده شده باشد، لازم است دلیل مفسر مقدم شود، چه اینکه لازمه فهمیدن مقصود متکلم این است که از مجموع کلام او همان گونه که خودش اراده کرده است فهمیده شود.

۱- گزینشی (د) برائت شرعی

۲- گزینشی (پ) گزینشی د - عموم بدلی

۳- گزینشی (ج) خیر- چون شرعی نیست

۴- گزینشی (و) ورود

۵- آیه تعذیب در وسایط ... « آیه رسل در این آیه موضوعیت ندارد و مثالی برای عدم بیان است و معنای آیه لا عقاب بالبیان است. اشکال: نهایت چیزی که آیه ثابت می کند عدم عقاب در صورت عدم محدودیه بیان است و به این معنا نیست که بیان صادر شده به کلف نرسیده.

۶- چون علم به جامع، چون اگر علم به جامع وجود نداشته باشد، شبهه در هر طرف بدوی خواهد بود و در شبهه بدوی هم برائت شرعی جریان پیدا می کند مثال: تسبیح جنازه مسلمانی شرکت کرده سپس علم اجمالی برای او سپس خواهد آمد آیا تسبیح جنازه بر او واجب بوده یا نه از سه دنباله جواب نیست منتهی

۷- نظر سید صدر: شک بین اقل و اکثر از حالات علم اجمالی نمی باشد چون علم به جامع بین دو فرد متباین وجود ندارد مثل اگر کسی مثل نماز واجب که هر یک از اجزای آن واجب هستند دارند حال اگر شک کنیم آن در یک جزء است یا ۱۰ جزء، شک میان اقل و اکثر ایجاد می شود. که در شک میان اقل و اکثر اهل برائت را به گفته ای است و جاری می کنیم چون در موارد شک میان اقل و اکثر علم اجمالی وجود ندارد که سبب احتیاط شود زیرا در طرف علم اجمالی باید متباین باشند و در این جا اقل و اکثر متداخل هستند

۸- عبارت فانه علی یقین من و منونه ظاهر در توابع با امری رضی است و عرف نیز یقین را به جبهه یقین حمل می کند

۹- نقض به معنای کسستن و شکستن چیزی است که محکم و مستحکم است. پس بناچار باید حالت سابقه ای که از نقض آن خبری شده است. دارای استواری بوده و طبیعتاً استوار دانسته باشد تا به عنوان نقض بر رفع به از آن (درست برداشتن) صدق کند. اما اگر قابلیتش برای بقا به خودی خود مشکوک باشد، پس در ضمن و یا با یافتن قابلیتش، به عنوان نقض بدان استناد داد. زیرا به طور طبیعی محل شده و یا با یافتن مثل وقتی که رشته های نخ از هم تسخینه و ناپوسته را از یکدیگر جدا کنیم نمی توانیم بگویم آن را از هم تسخیم. بلکه زمانی که نقض و کسستن را به کار می بریم که یک وسیله محکم را رشته رشته کرده باشیم.

۱۰- هنگام شک در طهارت آب، از آن جهت که طهارت آب موضوع جواز شرب است، هنگام شک در جواز شرب آب، استسقاء طهارت آب جاری می شود و جواز شرب که اثر آن است از ثابت می گذرد. به استسقاء جاری در طهارت آب استسقاء سبب گفته می شود. زیرا مانند سبب است برای حکم شرعی جواز شرب، حال آنکه به خود حکم جواز شرب توصیف کنیم قبلاً متیقن حدوث بوده و الآن مشکوک البقا است. به خاطر همین حالت سابقه آن یعنی همان جواز شرب را استسقاء می کنیم به استسقاء جاری در جواز شرب اصل مسبب گفته می شود زیرا جواز شرب مانند مسبب است برای طهارت آب.

۱۱- جعل به معنای قراردادن احکام بر موضوعات از راه قانون گذاری و تشریع یا همین نقض تشریع که برای موضوع مقدار وجود ثابت می باشد و محمول عبارت است از فعلیت یافتن حکم توسط فعلیت یافتن موضوعش و می دانیم که حکم شرعی لفظی متکلف بیان جعل است مثلاً خدا در قرآن می فرماید "حج بر مردم واجب است زمانی که استطاعت شوند"، پس این جعل است که دلالت بر وجوب حج در جعل آن به استطاعت دارد. ولی فعلیت یافتن آن تابع تحقق یافتن شرط آن است که وجوب محمول است.

۱- آله رکن اول استصحاب عبارت از دقتی به حدیث «باشد اشکال شده در مواردی که اماره بر حالت سابقه قائم شده است نباید بتوان مؤدلی اماره استصحاب کرد در حالی که شک در استصحاب آن نیست» و جوابی که از این اشکال داده شده است را بیان نماید.

۲- با توجه به صحت حدیث «الرجل ینام وهو علی وضوء...» حیرا برخی قائل شده اند که عبارت «ولا ینقض الیقین بالشک» افاده عموم نمی کند، یک جواب از آن بنویسد.

۳- با توجه به عبارت «ان فی الشبهة الکلمه اذ امكن الموضوع باقیا کما یمکن قیوره فلایمکن لمر والشک فی البقاء فلا بد من زوال بعضها و بعضا تخلف الوحده» اشکال به «در رکن ثالث استصحاب در شبهه کلمه» را بیان کرده، پاسخ تفصیلی ارائه دهید.

۴- با توجه به صحت زراره «... والافانہ علی یقین من وضوء ولا ینقض الیقین ابدًا بالشک...» مراد از «استاد نقض یقین بالشک» را بیان نماید.

۵- در کدام نذریه، خشیت کشف بر اساس «علیه ان العادث یقی» استوار است؟
 ۱- قاعده یقین ۲- قاعده تجاوز ۳- اصل استصحاب ۴- قاعده عقبتی و مانع

۶- لازم بیان رکن چهارم استصحاب به صحت در این شرط جبرای الاستصحاب ان تكون المستصوب حکما شرعیا او موضوعا لحکم شرعی، چیست؟

۱- عدم جبرای استصحاب عدم تکلیف ۲- عدم جبرای استصحاب حکم شرعی
 ۳- عدم جبرای استصحاب تکلیف ۴- جبرای استصحاب عدم تکلیف

۷- مثال «اذ امكن علی یقین من مهاره توجب یوم السبت فاشک یوم الاحد فی مهارته یوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اهل است؟
 ۱- اصل برائت ۲- قاعده یقین ۳- اصل استصحاب ۴- قاعده عقبتی و مانع

۸- منظور از نفی در «لا ینقض الیقین بالشک» چیست؟
 ۱- نفی تکلیفی ۲- نفی تلوینی ۳- نفی ارشادی ۴- نفی تنزیهی